

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رسالت‌های فردی و اجتماعی

# بانوان

از بیانات مرصع عالیقدر

حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی دامه‌ظله

# رسالت های فردی و اجتماعی بانوان

از سادات مرجع عالیقدر  
حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی دامه ظلته

❖ به اهتمام: مؤسسه فرهنگی - مذهبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله - کربلای معلی

❖ چاپ: اول /

❖ تیراژ: ۱۰۰۰۰

## فهرست عناوین

مقدمه..... ۹

## تزکیه نفس و هدایت دیگران

درآمد..... ۱۳

شرط «لا إله إلا الله»..... ۱۵

حسرت آخرت..... ۱۹

توبه فوری ابزاری برای تزکیه نفس..... ۲۱

پیمودن پله‌های موفقیت..... ۲۲

راهنمایی دیگران، واجب کفایی..... ۲۳

رواج فساد و کساد ارشاد..... ۲۵

یک حدیث که بدانی، به از هزار که فقط روایت کنی..... ۲۷

سی سال مسأله می‌گویند، اما..... ۲۹

- ۳۲ ..... راهنمایی دیگران، کاری است زمانبر و پرزحمت.
- ۳۳ ..... امکانات گسترده جهان امروز.
- ۳۴ ..... توجه به اولویت فرائض بر نوافل.

## عمر گران

- ۳۹ ..... آغاز.
- ۳۹ ..... میراث معنوی ابوذر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.
- ۴۱ ..... توضیحی درباره درهم و دینار.
- ۴۳ ..... عمر گران.
- ۴۴ ..... بخل پسندیده.
- ۴۶ ..... دو گرگ.
- ۴۹ ..... تأملی در مصرف عمر.
- ۵۱ ..... اهمیت فوق العاده ورع و پرهیز از گناه در ماه مبارک رمضان.
- ۵۴ ..... اطعام و حدّ و حدود آن.

- 
- ۵۵ ..... تأثیر پذیری یا تأثیرناپذیری ارشاد.....
- ۵۷ ..... تصمیم و تلقین، ابزارهای تزکیه نفس.....
- ۵۸ ..... سنت‌های جاودانه.....
- ۵۹ ..... بورس آخرت.....
- ۶۰ ..... خدای حاضر و ناظر.....
- ۶۲ ..... نقش مهم اصول دین در دینداری.....

## روشنگری؛ رسالت عصر ما

- ۶۷ ..... بانوی بی مانند.....
- ۶۸ ..... روزگار شعب.....
- ۷۲ ..... توصیه رخصانی.....
- ۷۴ ..... مرتبه دوم از مراتب ورع.....
- ۷۵ ..... مراتب والای ورع.....
- ۷۸ ..... واجب دوم.....

---

۷۹ ..... خیانت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس به اسلام

۷۹ ..... دستان خون‌آلود معاویه

۸۲ ..... برگی دیگر از جنایت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس

۸۴ ..... مقایسه‌ای میان سیرهٔ علوی و اموی

۸۵ ..... کلام آخر



## مقدمه

مجموعه حاضر مشروح بیانات مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دامت ظلّه در جمع صدها تن از بانوان است که در ماه های مبارک رمضان سال های ۱۴۳۹، ۱۴۴۰ و ۱۴۴۴ هجری قمری ایراد گردیده است.

مرجع عالیقدر در این بیانات به بیان وظایف و بایسته هایی می پردازد که سزاوار است بانوان محترمه در طول سال، مخصوصاً در ماه مبارک رمضان به آن ها بپردازند.

لازم به ذکر است که گردهمایی بانوان هرساله در ماه مبارک رمضان در بیت مرجعیت واقع در شهر مقدس قم با بیانات آیت الله العظمی شیرازی دامت ظلّه برگزار می شود.

این اثر به همت مؤسسه فرهنگی - مذهبی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گردآوری شده است.

۱۲ شوال المکرم ۱۴۴۴ هـ ق





ترکیه نفس  
و هدایت دیگران



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین<sup>۱</sup>

## درآمد

امید آنکه خدای متعال به برکت پیامبر خدا ﷺ و عترت طاهره اش،  
خاصه حضرت بقیة الله الأعظم حضرت مهدی موعود ﷺ در این ماه  
مبارک رمضان عنایتی ویژه به همگی ما از پیر و جوان و مرد و زن  
و دانشجو و خانه دار و ... عنایت بفرماید و توفیق بیش از پیش به شناخت  
وظایف و انجام دادن آن‌ها عطا کند.

دعاهای وارد شده از امامان معصوم علیهم السلام دریای پر ژرفای معارف الهی  
است که هیچ پژوهنده‌ای را توان رسیدن به قعر آن نیست. این  
گنجینه‌های معنوی میراث ماندگار به جای مانده از امامان ما - سلام  
و صلوات خدا بر آن‌ها - برای ما شیعیانی است که نسل اندر نسل  
میراث خوار سفره معارف و کرم آن بزرگواران هستیم.

---

۱. بایانات مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دامت ظلّه در  
گردهمایی سالانه بانوان در ماه مبارک رمضان ۱۴۳۹ هجری قمری.

حضرت جواد الأئمه علیه السلام دعایی در خصوص شب اول ماه مبارک رمضان دارند که گنجینه‌ای است از معرفت که خواننده‌اش را سعادت‌ی جاودانی می‌بخشد. خوشا به سعادت کسی که توفیق خواندن و فهم این دعا به او عنایت شده است. حضرت در این دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا ... مِمَّنْ هُوَ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ؛ بار پروردگارا، مرا از زمره آنانی قرار مده که بی‌آنکه کاری کنند [بر فضل خدای متعال] توکل کرده‌اند و امیدوارند». خدایا ما از آنانی نباشیم که بدون عمل فقط بر تو توکل کنیم. این مضمون دعای حضرت است. همان‌گونه که رفت دعاهای واردشده از ائمه همگی گنجینه‌هایی است از معارف و اخلاق و فضائل و معنویت، به‌ویژه دعاهای مذکور در ماه مبارک رمضان، چه ادعیه مشترک برای همه شب‌های ماه مبارک، مثل دعای افتتاح و همچنین دعای حضرت سجاد علیه السلام که ابوحزمه ثمالی آن را نقل کرده است و دعاهای مخصوص برخی شب‌های ماه مبارک، مانند: شب‌های قدر که آن‌ها نیز سرشار از معرفت الهی‌اند.

نمونه آن همین دعای حضرت امام جواد علیه السلام است که ده‌ها نکته بدیع و معرفت‌بلند و رفیع در آن جای گرفته است. خداوندا، ما به گونه‌ای نشویم که فقط با توکل بر تو سعادت دنیا و آخرتمان را بجوییم و از تلاش و عمل برای رسیدن به این سعادت دست بکشیم.

دستیابی به هر چیزی شروط و مقدماتی دارد. شروط سالم بودن بدن بسیار است. برای تحصیل سعادت رعایت همه شروط ایمنی و بهداشت ضروری است. باید در خوردن دقت کافی داشت و از خوردن چیزی که سلامت بدن را به خطر می افکند، پرهیز کرد، یعنی باید کم خورد، خوب خورد، ورزش کرد و بسیاری نکات دیگر. یا هنگامی که - خدای ناکرده - دچار بیماری می شویم و به طبیب مراجعه می کنیم، باید دستورات او را مویه مو اجرا کنیم. تنها خوردن نسخه ای که طبیب گفته برای ما شفا بخش است و بی اعتنایی به پرهیزهای غذایی نمی تواند سلامتی ما را - دست کم زود - بازگرداند.

باری، هر چیزی شروطی دارد. توکل بر خدا البته کاری شایسته و بلکه لازم است اما آن هم به جای خود و با رعایت هم نیازهایش. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر کس بر خداوند توکل کند، کفایت امرش را می کند»<sup>۱</sup>.

### شرط «لا إله إلا الله»

حضرت امام رضا علیه السلام هنگامی که به فرمان مأمون عباسی مجبور به ترک مدینه شد، راه خراسان را در پیش گرفت. حضرت در این مسافرت

۱. طلاق/۳.

تحت مراقبت شدید مأموران مأمون بود. در شهرهایی که در طول این مسیر از آن‌ها می‌گذشت گاهی با یاران و دوستانشان روبه‌رو می‌شدند، هرچند مأموران عمداً او را از مسیر نامعروف بردند تا از شهرهای مشهور کم‌تری عبور کند و دوستان و مردم این شهرها با حضرت روبه‌رو نشوند. به همین دلیل حضرت در طول این سفر چندان نمی‌توانستند محبان اهل بیت علیهم‌السلام را با سخنانشان سیراب کنند. هزاران حدیث از ایشان در مدینه و نیز در طوس نقل شده است اما محدودیت‌های حضرت در طول این سفر علاوه بر گزارش تاریخ از قلت مرویات از ایشان کاملاً آشکار است.

با این حال هنگامی که حضرت پا در نیشابور می‌گذارد، عالمان آن دیار گرد او جمع شدند و اصرار کردند سخنی را از اجداد طاهرش برای آن‌ها نقل کند. نیشابور از دیرباز مهد علم و فرهنگ بوده و عالمان بسیاری را در خود پرورش داده است.

هزاران قلمدان طلا آماده نوشتن حدیث حضرت بود. عالمان آن سامان همگی تشنه شنیدن سخنی از لبان ایشان بودند. در اینجا بود که حضرت حدیث مشهور خود را به نام سلسله الذهب بیان فرمودند. وجه تسمیه این حدیث و نسبت طلایی دادن به سلسله آن به دلیل آن است که در آن سلسله نام مطهر حضرات امامان معصوم علیهم‌السلام تا حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از زبان خود حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل شده است. وگرنه ده‌ها هزار حدیث



از امامان معصوم ما عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نقل شده است که همگی آن‌ها ارزشمندند. و این مقدار بسیار کم‌تر از کل احادیثی است که حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بیان کرده‌اند و شمار بسیاری از آن‌ها یا سوخته است و یا از بین رفته و یا به هر دلیل دیگری به دست ما نرسیده است.

حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از درنگی کوتاه در نیشابور عزم ادامه سفر کردند. در آن هنگام عالمان نیشابور در گرد ایشان جمع شدند و گفتند: آقا جان شما به شهر ما آمدید و اکنون شهر ما را ترک می‌کنید بی آنکه حتی یک حدیث از جدّ خود، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ما نقل کنید. پس از اصرار علما حضرت یک حدیث و آن هم تنها یک حدیث در آن جا بیان کردند که بعدها در کتاب‌ها به حدیث سلسله الذهب مشهور شد.

حضرت فرمودند: از پدرم موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که از پدرش جعفر بن محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ و ایشان نیز از پدرش محمد بن علی، حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و ایشان نیز از پدرش علی بن الحسین زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ و ایشان نیز از پدرش حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و ایشان نیز از پدرش علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل فرمودند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود که جبرئیل از خدای عزوجل این حدیث را برای من نقل فرمود: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ جَمَلَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَرٌّ مِنْ أَمْنِي». پس هرکس در این درّ درآید، از عذاب من در امان خواهد بود<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۲۳، حدیث ۴.

کلمه «لااله الاالله» بست خدای عزوجل است. «حصن»، یعنی سنگر یا دژ. در گرد این کلمه حصار کشیده شده است. پس هرکه در آن پناه گیرد، به خدا پناه برده است. از این رو از هر گزند و آسیبی چه در دنیا و چه در آخرت ایمن خواهد بود.

حضرت سوار بر عماری اش شد. عماری، شتری بود که بر آن تختی می‌بستند و بر آن به مانند کجاوه پرده‌ای می‌افکندند و بر روی آن تخت می‌نشستند. حضرت پس از اندکی خود پرده را کنار زدند و فرمودند: «بشرطها و شروطها وأنا من شرطها؛ البته به شرط آن و شروط آن که من نیز از شروط آن هستم»، یعنی صرفاً گفتن «لاإله إلاالله» به تنهایی نجات دهنده انسان نیست. «لاإله إلاالله» بدون «محمد رسول الله» فایده‌ای ندارد و نیز کسی که «علی ولی الله» را قبول ندارد، نیز سودی از گفتن «لاإله إلاالله» نخواهد برد. نیز به همین ترتیب حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین و حضرت امام زین العابدین و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام کاظم و حضرت امام رضا و حضرت امام جواد و حضرت امام هادی و حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام و حضرت حجت بن الحسن علیه‌السلام همگی شروط رستگاری و مؤثر واقع افتادن کلمه «لاإله الاالله» هستند به‌گونه‌ای که اگر یکی از این‌ها را قبول نکنیم، بهره‌ای از «لااله الاالله» نخواهیم برد.

## حسرت آخرت

توکل بدون عمل راه به جایی نمی‌برد. حضرت امام جواد علیه السلام در اول ماه مبارک به درگاه الهی عرض می‌کند که این ویژگی در ما نباشد. پس مبدا ما به توکل بی عمل گرفتار شویم: «اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا ... مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ».

حقا که این دعاها گنجینه‌هایی ماندگار است. اکنون که در میانه این ماه مبارک قرار داریم، بقیه آن را دریابیم. همگی به ویژه خانم‌های جوان و نوجوان را که پذیرش و آمادگی بیشتری دارند توصیه می‌کنم قدر روزها و شب‌های این ماه پربرکت را بدانند، مبدا تمام شود و از آن بهره کافی نگرفته باشند. مبدا کسی می‌توانست بیشتر استفاده کند و نکرد. همه این‌ها حسرت‌های جبران ناپذیری در آخرت به بار می‌آورد. این حسرت‌ها به نحوی مایه عقب‌ماندگی خواهد بود که اندوه دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

راه در امان ماندن از این حسرت‌ها و توفیق عمل یافتن، تلقین دو موضوع به خودمان است. این دو موضوع در پوست و گوشت ما باید درآمیزد و همواره از آن جدا نشویم. همه ما در هر جای جهان به این دو موضوع اساسی نیازمندیم؛ دو موضوعی که مایه توفیقات افزون‌تر ما می‌گردد.

نخستین موضوع تزکیه نفس است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ که هرکس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده»<sup>۱</sup>.

این جمله از نظر بلاغت عربی ظهور در حصر دارد. آن‌هایی که با بلاغت عرب آشنایی دارند می‌دانند که تعابیر قرآن از حیث بلاغت بلند و بی‌نظیر هستند. در این آیه خدای متعال با این تعبیر بیان می‌کند که یگانه راه فلاح و رستگاری تزکیه نفس است.

تزکیه نفس پالایش او از آلودگی گناهان است و این هم تنها از راه محاسبه نفس میسر می‌گردد. با محاسبه نفس نظارت بر اعمال بیشتر می‌شود و انسان دقت می‌کند که واجبی را ترک نکند و به گناهی تن ندهد و اگر خدای ناکرده به گناهی آلوده شد، فوراً از آن توبه کند. با استغفار و توبه خدای متعال گناه انسان را می‌بخشاید، وگرنه گناهان یکی در پس دیگری بر آلودگی‌های نفس انسان می‌افزاید و راه را بر تزکیه نفس او می‌بندد. اگر باز هم گناه کرد، چاره‌ای جز توبه ندارد. حتی اگر صدها بار این گناه را تکرار کند، در توبه و پشیمانی همواره باز است و هرگز نباید ناامید شود. فقط کسی که در تزکیه و پاکسازی نفسش می‌کوشد، به فلاح و رستگاری نائل می‌گردد: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا».

تزکیه نفس واجبی عینی است، یعنی واجبی کفایی نیست که در صورتی که دیگران آن را انجام دهند، از گردن ما ساقط گردد.

تزکیه نفس بر همه واجب است و مانند نماز صبح می‌ماند، یا روزه ماه مبارک رمضان. اگر کسان دیگری باشند که نماز فریضه را به جای آورند

و روزه این ماه مبارک را بگیرند، باز بر ما واجب است که ما نیز نمازهای فریضه را بخوانیم و روزه بگیریم. این معنای واجب عینی است. تزکیه نفس نیز واجب عینی است. بر هرکسی واجب است که واجبات خود را به جای آورد و از محرّمات پرهیز کند. مداومت بر این کار را تزکیه نفس گویند.

### توبه فوری ابزاری برای تزکیه نفس

تزکیه نفس مقدمه‌ای است برای آنکه انسان در اینکه واجبی از او ترک نشود و - خدای ناکرده - به گناهی گرفتار نشود، توانمندتر گردد. همان‌گونه که اشاره شد از ابزارهای تزکیه نفس توبه است. انسان موجودی است خطاکار و هر آن ممکن است تحت تأثیر نفس اماره‌اش قرار بگیرد و شیطان، دشمن قسم خورده‌اش نیز در کمین اوست. از این رو احتمال خطا کردن در او بسیار است. در این میان او می‌تواند با تزکیه نفس از طریق توبه مانع سلطه یافتن نفس اماره و شیطان بر او شود. برای این منظور اگر به گناهی آلوده شود، باید فوراً توبه کند. تأکید می‌کنم فوراً، زیرا گناه تأثیر منفی بر روحیه انسان دارد که اگر اثر آن از نفس انسان پاک نشود، آثار سلبی در پی خواهد داشت و مانع رشد و توفیقات معنوی او می‌گردد.

در شتاب کردن در توبه موضوع لحظه و دقیقه مطرح است. علماً تأکید بسیاری بر آنی بودن توبه داشته‌اند. به این معنی که اگر مثلاً کسی

در ساعت پنج گناهی از او سر بزند، توبه را به پنج و دو دقیقه و حتی یک دقیقه عقب نیفکند و در همان لحظه از کرده خود پشیمان شود و با خدای خود عهد کند که دیگر آن گناه را مرتکب نشود.

همان‌گونه که رفت تزکیه نفس واجب عینی است. انسان تا زنده است باید نفس خود را تزکیه کند، وگرنه پس از وفاتش کسی نمی‌تواند این واجب را برای او به‌جای آورد. چه‌بسا تأثیر نماز و روزه‌ای که می‌توان پس از مرگ به نیابت برای او گرفت، بارها کم‌تر است از نماز و روزه‌ای که به دست خودش و در ایام حیاتش می‌گیرد. بی‌اثر نیست اما آن تأثیری را که اگر خودش آن‌ها را انجام می‌داد، ندارد.

### پیمودن پله‌های موفقیت

پس توکل بر خدا بدون تزکیه نفس مردود است: «اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا... مِمَّنْ هُوَ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ». دنیایی علم و آموزش و معرفت در این تک جمله از دعای حضرت جواد الائمه علیه السلام نهفته است. کلید موفقیت است که همیشه به کار می‌آید، به‌ویژه در ماه مبارک رمضان - که بهار موفقیت است - بیشتر کارگر است.

بسیاری در این ماه مبارک توفیق لازم را کسب می‌کنند و هنگامی که این ماه رو به پایان است، تغییر ملموسی در خود احساس می‌کنند. جای آن دارد که ما نیز از این قافله عقب نمانیم، وگرنه حسرتی گران بر جان و

روانمان باقی می ماند. انسان باید در این ماه آنقدر به خدا و اهل بیت علیهم السلام متوسل شود و آنقدر دعا بخواند و چنان تزکیه نفس را به خودش تلقین کند تا در آخر موفق گردد. هرچند تزکیه نفس درجات بسیاری دارد و مراحل زیادی را باید سپری کرد تا بتوان نفس را کاملاً و به تمامی از همه آلودگی‌ها تزکیه نمود، با این حال هر موفقیتی از پیمودن نخستین مرحله‌های آن آغاز می‌شود. هر راهی با برداشتن اولین گام طی می‌شود و به هر ارتفاعی حتی اگر هزاران پله بالا باشد، فقط پله پله می‌توان رسید. انسان یک باره و با یک گام نمی‌تواند به پشت بام برسد و برای رسیدن به آن‌ها حتماً باید پله پله بالا رفت.

### راهنمایی دیگران، واجب کفایی

مسأله دیگری که طرح آن اهمیت بسیاری دارد، راهنمایی دیگران است. خدای متعال بشر را نیروی فهم و ادراک داده است تا افزون بر آنکه خود را نجات دهد، دست دیگران را نیز بگیرد. راهنمایی دیگران وظیفه‌ای است که برعهده همه ماست. همگی موظفیم علاوه بر اینکه خود را نجات دهیم، به فکر نجات دیگران نیز باشیم.

البته دومی، یعنی هدایت دیگران واجب کفایی است، برخلاف آن، اولی واجب عینی است. بر همگی ما واجب است که همسر، فرزندان و پدر و مادر و دوستان و آشنایان و فرزندان آن‌ها و درکل همه افرادی را که به نحوی

با آن‌ها ارتباط داریم، از راهنمایی‌های خود محروم نکنیم و در انجام دادن آن همانند یک فریضه نباید کوتاهی کنیم، البته در حدی که قانع شود، حال بپذیرد و به راهنمایی‌های ما عمل کند یا خیر؛ مسئولیتی از آن بابت متوجه ما نیست: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را بپذیرا شود) و هرکس می‌خواهد کافر گردد»<sup>۱</sup>.

وظیفه ما این است که در حق دیگران کوتاهی نکنیم اما به هر حال این کار واجب عینی نیست، یعنی اگر شخصی دیگر راهنمایی آن‌ها را به عهده گرفت از گردن ما ساقط می‌شود. اگر همسر ما را برادر یا خواهر یا فرزند یا پدرش راهنمایی کند، دیگر ارشاد او از ما ساقط می‌شود اما آیا همیشه «من فيه الكفايه» وجود دارد؟ آیا به اندازه کافی کسانی هستند که بتوانند دیگران را در مواقع ضرورت راهنمایی کنند؟ اگر چنین چیزی بود که این همه فساد در جهان راه نمی‌افتاد و این همه جهان در ظلم و تباهی فرو نمی‌رفت و این همه محرمات رواج نمی‌یافت. متأسفانه در جهانی انباشته از ظلم و گناه و تعدی به سر می‌بریم که دلیل آن نیز راهنمایی نکردن مردم است. چه کسی موظف است از افراد آلوده به گناه و یا کسانی که در معرض گناه قرار دارند دستگیری کند و آن‌ها را نجات دهد؟ قطعاً این وظیفه برعهده همه



ماست. همه ما از زن و مرد و پیر و جوان، موظفیم که دیگران را نجات دهیم، زیرا «من فيه الكفايه» به قدر کافی برای اجرای این فریضه در جهان نیست. پس همگی برای هدایت و راهنمایی دیگران باید آستین همت بالا بزنیم.

### رواج فساد و کساد ارشاد

قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده»<sup>۱</sup>. منظور قرآن در این کلام بلیغ و بلندش از «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، دستان مردم در مقابل پاها یا سرهایشان نیست. مقصود اراده و خواست آنان است. مقصود نیرو و توان آنهاست. بشر در هر مقام و سمتی که قرار دارد اندازه‌ای توان و نیرو دارد. کسی که در رأس حکومت است و قدرت و پول فراوانش او را به ظلم به زیردستان می‌کشاند، کسی که قدرت بدنی دارد و فریفته آن شده و به دیگران زور می‌گوید، شوهری که به همسرش ظلم می‌کند یا زنی که به شوهرش ظلم می‌کند، عامل ظلم فرزندان به والدین و بسیاری دیگر «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» است؛ همه آنها ثمره دستان خود ماست.

اگر هریک از ما نسبت به وظیفه راهنمایی هم نوعان خود کوتاهی نمی‌کردیم، این همه ظلم و فساد در جهان رواج نمی‌یافت. آری؛ این واجب کفایی است. اگر در میان میلیون‌ها نفر کسی پیدا شد که هدایت شده است، دیگر وظیفه راهنمایی او از گردن شما ساقط است. مهم آن است که هرکس راهنما و مرشدی داشته باشد.

پس هدایت خویش واجب عینی است و هدایت دیگران واجب کفایی اما همه این‌ها شروطی دارد. در روایت است که اگر کسی در واپسین لحظات زندگی اش جمله «لااله الاالله» را بر زبان آورد، به بهشت می‌رود. آیا «لااله الاالله» که آن شخص در احتضار می‌گوید، شرطی ندارد؟! مگر نه آنکه حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «کلمة لااله الاالله حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی»؟ پس چرا در ادامه آن فرمود: «بشرطها وشروطها وأنا من شروطها»؟ شرط رستگار شدن با «لااله الاالله»، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت طاهره ایشان علیهم السلام است. اگر این شروط نباشد، نجاتی از «لااله الاالله» نخواهد بود و هیچ فایده‌ای در پی نخواهد داشت.

دشمنان خدا، امثال معاویه و یزید و حرمله و شمر و سنان بن انس فراوان در زندگی خود «لااله الاالله» گفتند اما سودی برای آن‌ها نداشت، زیرا شروط آن را نداشتند.

## یک حدیث که بدانی، به از هزار که فقط روایت کنی

دعاهای وارد شده از امامان معصوم علیهم‌السلام البته بسیار ارزشمند است اما صرف خواندن دعا بدون دریافتن معنا و معارف آن، سود چندانی ندارد. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: «حدیث تدریه خیر من ألفِ ترویه؛ فهمیدن یک حدیث بهتر از هزار حدیث که [فقط] آن‌ها را روایت کنی [و به مفهوم آن‌ها پی نبری]»<sup>۱</sup>.

«تدری» از «درایت» به معنی فهم و ادراک می‌آید و «تروی» برگرفته از «روایت» به معنی نقل و بازخوانی روایت است. مقصود حضرت از این حدیث، برتری دادن آن یک حدیث بر هزار حدیث دیگر نیست. مراد فایده حاصل از فهم و ادراک حدیث است که اگر در حدّ یک حدیث هم باشد، بسا مفیدتر و کاراتر است تا هزاران حدیث که پی به مقصود و معنای آن نبریم. دعا خواندن نیز همانند حدیث و فهم آن است. دعا خواندن با تأمل چندین و چند برابر سودمندتر است تا صرف خواندن آن و توجه نکردن به مضامین آن.

انسان‌ها هریک در این دنیا حیات و معاشی دارند. تفاوتی نیز نمی‌کند که مرد باشند یا زن، یا پدر و مادر باشند یا فرزندان و فروشنده باشند یا

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۵.

خریدار، در هر موقعیت و مقامی که باشند به نحوی با دنیا سروکار دارند اما عاقبت باید این دنیا و زندگی موقت آن را ترک کنند و به سوی جهان آخرت و حیات جاودانه آن بروند. حال باتوجه به کوتاهی زندگی دنیا و درنگ کوتاه ما در آن، چه اندازه از وقتمان را باید صرف دنیا بکنیم؟ مگر آدمی چقدر می‌خواهد در این دنیا بماند؟ شاید خیلی عمر کند صد سال زنده باشد اما از آن سو میلیون‌ها سال حیات آخرت و بیشتر از آن، طبعاً نیازمند آمادگی است و باید مقداری از وقتمان را هم صرف امور آخرتی مان بکنیم. در غیر این صورت روزی فرا خواهد رسید که حتماً پشیمان خواهیم شد: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ؛ آن‌ها را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان»<sup>۱</sup>.

واقع آنکه دنیا با کمی و زیادی‌اش، هرگونه که بگذرد، حسرت و پشیمانی ندارد. اگر در این دنیا بیمار شد، به فقر مبتلا شد، آبرویش ریخت و یا اتفاق ناگوار دیگری برای او افتاد، چندان جای ناراحتی ندارد، زیرا دنیا گذران است و باقی نیست، اما آخرت سرای جاودانگی است. زندگی آخرتی، زندگی حقیقی ماست که باید خود را برای آن مهیا کنیم. پس اگر این آمادگی به وجود نیاید، حسرت‌های بزرگی در انتظار

خواهیم داشت. به این دلیل است که آن را «یوم الحسرة» نامیده‌اند. افسوس و ناراحتی‌های دنیا هرچند بزرگ باشد، در برابر حسرت‌های اندوهبار جهان آخرت ناچیز و بی‌اهمیت است.

### سی سال مسأله می گوید، اما...

دعاهای اهل بیت (علیهم‌السلام) راهنمایی است برای تزکیهٔ نفوس که واجبی عینی است، نیز به کار هدایت دیگران می‌آید. پیش از آنکه چیزی را به دیگران یاد بدهیم، خودمان باید آن را به خوبی یاد گرفته باشیم.

در یکی از جلسات علمی شبانهٔ ماه مبارک امسال، در پاسخ یکی از آقایان اهل علم، مسأله‌ای به مناسبت مطرح شد. مسأله مطرح شده که همهٔ علما بر آن اجماع دارند از این قرار است که هنگامی که بچه‌ای تازه به دنیا می‌آید پدرش ولی اوست و وظیفهٔ تأمین خوراک و پوشاک و دیگر نیازهای حیاتی او را برعهده دارد، پدر او باید خرجش را بدهد و در کل واجب النفقه پدر است.

از همان لحظات آغازین حیات بچه نیاز مبرمی به شیر مادر دارد. حتی شیر دادن با همهٔ ابرامی که دارد بر مادر واجب نیست، البته شایسته است که مادر از شوهر خود بابت شیر دادن به بچه‌اش پول نگیرد و تبرعاً این وظیفه را تقبل کند. این کار فضیلتی برای مادر است اما وظیفه پدر است. پس اگر مادری از شیر دادن به بچه‌اش امتناع ورزد، گناه نکرده است.

مادر حتی می‌تواند در قبال پولی که از پدر بچه‌اش می‌گیرد تن به این کار دهد. خلاصه آنکه پدر واجب‌النفقه است، نه مادر، اما اگر پول ندارد که برای شیر دادن به بچه‌اش هزینه کند، آنگاه مادر واجب‌النفقه خواهد بود و در آن حال دیگر شیر دادن به بچه‌اش بر او واجب می‌گردد.

مسأله‌ای که مطرح شد این است که اگر این نوزاد تازه متولد شده به طریقی صاحب مالی شد، مثلاً - خدای ناکرده - یکی از بستگانش را از دست داد و ارثیه‌ای به او رسید یا اینکه کسی هدیه‌ای به او بدهد که مخصوصاً در تملک آن نوزاد باشد، مثل گوشواره یا پولی که تصریح شده برای آن نوزاد است. برخی از هدایا نوعی بده بستان فامیلی است. خانواده فرزند پیشتر هدایایی به کسانی داده‌اند و اکنون به جبران آن خوبی هدایایی از آشنایان و دوستان دریافت می‌کنند. جدای از این هدایا پول‌هایی که به هر نحو متعلق به نوزاد است از آن اوست.

همچنین پدر نوزادی که صاحب مالی است دیگر واجب‌النفقه نیست، یعنی پرداخت مخارج نوزاد بر او واجب نیست. می‌تواند گوشواره او را بفروشد و با پول آن یا از مالی که در اختیار دارد، خرج لباس و خوراک و لوازم مورد نیاز بچه را پردازد.

محلّ مورد بحث این بود که آیا بر پول نوزاد حکم اموال از جمله خمس جاری است یا خیر؟ سالِ خمسِ مالِ بچه چه تکه طلائی که نقد شده و

چه پولی که هدیه گرفته، از لحظه‌ای که در مالکیت او قرار گرفته است، آغاز می‌شود و پدر او اگر متدین باشد، یک سال پس از آن روز را که «یوم حصول الربح» است سر سال قرار می‌دهد و حقوق شرعی آن را پرداخت می‌کند. این نظر مورد اجماع علماست. قول دیگری هم هست که خمس را پیش از این مدت نیز واجب می‌داند.

مشهور این است که هرچه عاید بچه شود و تا یک سال مصرف نشود و اضافه بر نیازش بود، در محاسبه خمس لحاظ می‌شود اما اگر گوشواره‌ای را به گوش بچه آویزان کردند یا دستبندی را به دستش کردند، اینها مؤونه هستند و خمس ندارد اما اگر سکه یا پول به او دادند، مؤونه به حساب نمی‌آیند.

پس از روزی که بچه به دنیا می‌آید سال مالی او آغاز می‌شود و اگر چیزی از اموالش باقی ماند، مشمول خمس می‌گردد. از طرفی بچه خود مکلف نیست و این به عهده پدرش است که خمس اموالش را از بقیه آن جدا کند و آن را پردازد.

طرفه اینکه یکی از حاضران جلسه رو به من کرد و گفت: من سی سال است که مسأله می‌گویم چگونه این مسأله تا به حال به گوش من نخورده است؟ بنده هم به او گفتم مسأله مورد اجماع عمده علماست و در اکثر کتب فقهی یافت می‌شود؛ در کتاب عروة الوثقی هست و شیخ انصاری

و نیز میرزای شیرازی و همچنین صاحب جواهر و بسیاری دیگر از علما در رساله‌های خود به آن اشاره کرده‌اند.

آیا این گونه مسائل از شروط رستگاری هستند یا خیر؟ البته آن قدر که به گوشش نرسیده و به ذهنش خطور نکرده که از کسی بپرسد و کسی نیز او را راهنمایی نکرده، یعنی به قدری که قاصر است، معذور است اما مبادا مقصر باشد. جاهل مقصر خاصه اگر از قشر متدین باشد، در درگاه خدای متعال معذور نیست. شخصی که می‌گوید سی سال است که مسأله می‌گوید اما تا به حال این مسأله را نشنیده است، آیا مقصر نیست؟ حتی اگر ایشان مقصر نباشد، کسانی که باید به او می‌گفته‌اند و این کار را انجام نداده‌اند، قطعاً مقصرند، زیرا همان‌گونه که رفت، راهنمایی دیگران واجب کفایی است.

### راهنمایی دیگران، کاری است زمانبر و پرهزینه

تکلیف راهنمایی غیرشیعیان چه می‌شود؟ آیا مگر نه این است که هدایت مردم واجب کفایی است؟ صدها میلیون غیرمسلمان جهان همه نیاز به راهنمایی دارند. طبق برخی آمارها جمعیت بانوان جهان قریب به چهار میلیارد است، یعنی هم‌اکنون چیزی قریب به چهار میلیارد خانم بر روی کره زمین زندگی می‌کنند. مسئولیت راهنمایی این



همه خانم با کیست؟ همه در قبال راهنمایی آن‌ها مسئول هستند، البته اگر کسی توان یا امکان آن را ندارد، معذور است.

باید خداپرستی و صفات ثبوتی و سلبی خدای متعال را به مردم معرفی کرد و پیامبرشناسی، امام‌شناسی، معادشناسی و دیگر حقایق دین را به دیگران معرفی کرد به گونه‌ای که باور و ایمان به آن در وجود آنان رسوخ کند. قرآن بارها فرموده است: «الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ بلاغ آشکار». بلاغ یعنی رساندن. باید آن‌قدر به دیگران گفت، تا حقیقت را باور کنند و قانع شوند.

تزکیه نفس که واجب عینی است وقت چندانی نمی‌خواهد، تنها تصمیم می‌خواهد اما راهنمایی دیگران وقت زیادی می‌طلبد. مگر انبیا که مسئولیت راهنمایی بشر را به عهده داشتند، عمرشان را در چه صرف کردند؟ آیا جز این بوده که وقت خود را صرف راهنمایی و ارشاد مردم می‌کردند. اغلب انبیا - جز عده‌ای همچون سلیمان و داوود - کاری جز راهنمایی مردم نداشتند. به این دلیل که در هر زمان فرصت راهنمایی را داشته باشند. از این رو بنا بوده است که کاری جز این نداشته باشند.

### امکانات گسترده جهان امروز

یک روزی راهنمایی دیگران کار مشکلی بود، اما امروز بسیار ساده‌تر شده است. امکانات گسترده‌ای که حتی در دستگاه‌های موبایل یافت می‌شود و فضاهای مجازی اگر درست استفاده شود

و ظرفیت های آن کشف گردد، هر یک ظرفیت بالایی برای هدایت دیگران دارند. واجب کفایی تا زمانی که «من فیہ الکفایه» وجود نداشته باشد، واجب عینی است. از این رو، باتوجه به امکانات گسترده‌ای که امروزه در اختیار همگان است، و باتوجه به وجود آن، باید به راهنمایی دیگران توجه بیشتری کرد.

بیان مسائل شرعی از غسل و وضو و تیمم و نماز و روزه و دیگر عبادات تا حج و نحوه درست معاملات و در کل تبیین حلال و حرام خدا و معرفی واجبات و محرمات، همه واجب است.

### توجه به اولویتِ فرائض بر نوافل

تقدیم مستحبات بر واجبات از اموری است که بسیاری ناآگاهانه به آن گرفتار می‌شوند. امیر مؤمنان علیه السلام در کتاب نهج البلاغه می‌فرماید: «لاقربة بالنوافل إذا اضرت بالفرائض؛ سودی در مستحبات نیست اگر به واجبات زیان رسانند»<sup>۱</sup>.

نوافل یعنی مستحبات؛ اعمالی که انجام دادن آن‌ها واجب نیست، اما موجب تقرب جستن به خداست. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث مذکور نوافل را اگر به فرائض، یعنی کارهای واجب ضرر بزند، ناپسند

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹.

می‌داند و آن‌ها را مایهٔ تقرب جستن به خدا نمی‌داند. پس اول فرائض؛ یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات، که اساس آن عقاید و اصول دین است و در مرحلهٔ بعد احکام واجب و حرام، و در آخر اخلاق واجب و حرام است. پس از مجموعهٔ فرائض نوبت نوافل می‌رسد. گاهی برخی امور مستحب در مواردی وجوب می‌یابد. صبر همیشه مستحب نیست، گاهی واجب است. خوش برخوردی نیز همین طور گاهی وجوب می‌یابد.

در کل نباید مستحبات را بر واجبات مقدم کرد و نباید مشغول شدن به مستحبات ما را از انجام واجباتمان بازدارد. یک خانم واجباتی در قبال همسرش دارد که اگر آن‌ها را انجام ندهد و وقت خود را صرف امور مستحبی مثلاً دعای ابوحمزه ثمالی - با آن همه اهمیت و فوایدی که دارد - بکند، سودی برای او نخواهد داشت، چراکه به فرمودهٔ حضرت: «لاقربة بالنوافل إذا أضرت بالفرائض».


مداومت بر دعای ابوحمزه ثمالی تزکیهٔ نفس می‌آورد. خواندن نماز شب برکات و فواید بسیار دارد و تأکید بسیاری بر آن شده است اما همهٔ این‌ها در دایرهٔ نوافل جای دارد و اگر باعث شود واجبی ضایع گردد، مثلاً حقوق همسر رعایت نشود، مایهٔ تقرب به درگاه الهی نیست. پس این نکته را همواره باید در نظر داشت که اول واجبات بعد

مستحبات. همانند دیگر معارف دین باید خود را به این آموزه عادت داد و دیگران را نیز به آن راهنمایی کرد.

چکیده سخن اینکه در این فرصت گران‌بهایی که پیش روی ماست، یعنی ماه مبارک رمضان، به همه به‌ویژه جوانان و بانوان این دو نکته را سفارش می‌کنم: تزکیه نفس و راهنمایی دیگران.

امیدوارم خدای متعال همگی ما را بدان موفق گرداند و اعمال و تلاش‌هایمان را ولو اندک، به درگاه خویش بپذیرد و حضرت بقية الله الأعظم علیه السلام در این ماه شریف عنایت ویژه‌اش را از ما دریغ نفرماید و در نهایت عاجزانه به درگاه خدای متعال دست‌نیاز بلند می‌کنیم و مسألت می‌کنیم که در ظهور مولایمان، حضرت بقية الله الأعظم علیه السلام تعجیل بفرماید، چه اینکه همه مشکلات به‌دستان با کفایت ایشان حل می‌شود.

وصلی الله علی سیدنا و نبینا محمد وآله الطاهرین



# عمر گران



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
وصلی الله علی محمد وآله الطيبين الطاهرين<sup>۱</sup>

## آغاز

در آغاز، میلادِ فرخنده سبط اکبر، حضرت امام حسن بن علی علیه السلام را به مقام رفیع و منیع امامت کبری و عصمت عظمای الهی، حضرت بقیة الله الأعظم مهدی موعود علیه السلام تبریک و تهنیت می گویم و سپس مؤمنین و مؤمنات را در سراسر جهان به این مناسبت سعید تهنیت می دهیم. امید آنکه خدای عزوجل از در فضل و رحمت بی کرانش نگاهی به همگی ما بیفکند و در ظهور مولایمان تعجیل بفرماید تا همه مؤمنین و مؤمنات را از مشکلات خانمان سوز عصر حاضر نجات دهد.

## میراث معنوی ابوذر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش های بسیاری به ابوذر، صحابی و یار باوفایش داشته است که البته اختصاص به ایشان ندارد و برای همگان نافع است.

---

۱. بیانات مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دامت ظلاله در گردهمایی سالانه بانوان در ماه مبارک رمضان ۱۴۴۰ هجری قمری.

هرکس جوایای سعادت دنیا و آخرت است، باید از این وصایای گهربار غفلت نکند و در التزام به آن‌ها اهتمام ورزد. در این فرصت همه را به خواندن وصایای پیامبر خدا ﷺ به ابوذر غفاری توصیه می‌کنم. حتماً آن‌ها را تهیه کنید و بخوانید. به‌ویژه جوانان و نوجوانان عزیز و نیز خانم‌های جوان و نوجوان اهمیتی دوچندان به این میراث گران‌بهای نبوی بدهند، خاصه در این ماه مبارک رمضان که اگر انسان تصمیمی جدی بگیرد، می‌تواند سعادت یک سال از عمرش را در کسب توفیقات دنیا و آخرتش تضمین کند.

وصایای پیامبر خدا ﷺ به ابوذر دوره بلند و پرفایده‌ای از تعلیمات است که سعادت هردو سرای انسان را برای او به ارمغان می‌آورد. آقایان و خانم‌های بزرگسال نیز از این خوان گسترده نبوی بی‌نصیب نمانند. حیف است ماه مبارک رمضان سپری شود و انسان استفاده کمتری از آن ببرد، حال آنکه می‌توانسته بهره بهتر و بیشتری بگیرد. این وصیت‌نامه گنجی است از مطالب سعادت‌زا برای دنیا و آخرت. در ادامه یک بند یا جمله از این وصیت‌نامه بلند را می‌خوانیم و بررسی می‌کنیم:

«یا اباذر کن علی عمرک اشح منک علی درهمک و دینارک؛ ای اباذر،

بر عمر خود خسیس‌تر از درهم و دینارت باش»<sup>۱</sup>.

۱. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۷۶.



و به بیانی دیگر همان‌گونه که تلاش می‌کنی پول و درهم و دینارت را بی‌جا مصرف نکنی و آن را خرج چیزهای کم‌ارزش نمی‌کنی، در استفاده از عمرت بخیل‌تر و تنگ‌نظرتر باش.

### توضیحی درباره درهم و دینار

درهم و دینار واحد پولی زمان‌های قدیم بوده است. تا حدود یکصد و پنجاه سال پیش نیز هنوز این واحدهای پولی رواج داشت. به این شکل که دینار سکه‌ای از جنس طلا بود و درهم سکه‌ای از جنس نقره؛ البته دینار شرعی سه ربع مثقال طلای خالص بوده است، یعنی طلای با عیار ۲۴. سکه‌های رایج در این روزگار از استحکام خوبی برخوردارند و به راحتی نمی‌شکنند. طلا و نقره تُرد و شکننده است. از این رو برای استحکام بخشیدن به آن، آن را با مس مخلوط می‌کنند. حال هرچه میزان مس آن بیشتر باشد، از عیار طلا کاسته می‌شود. به این شکل طلاهایی با عیارهای ۲۱، ۲۰، ۱۹ و ۱۸ و عیارهای دیگر پدید آمده است که هریک از این شماره‌ها گویای خلوص طلا و میزان طلای مصرف شده در آن است.

در گذشته طلا و نقره، نقد بوده و با آن خرید و فروش می‌شده است. از این رو چیزی به آن اضافه نمی‌کردند و از سکه‌هایی مثلاً با عیار ۲۴ استفاده می‌کردند که تُرد بوده است. در خرید اجناس گران‌قیمت مثل زمین و خانه و باغ به قیمت و ارزش آن، سکه می‌شمردند و می‌دادند

و در خرید چیزهای کم ارزش مثل خوراک و نان و گوشت و غیره که ارزش آن کم تر از یک سکه بوده است، تکه ای از آن سکه را با دست می شکستند و با آن معامله می کردند. از این رو سکه ها با توجه به شکننده بودن آن ها، قابلیت شکستن و تجزیه شدن به مقادارهای پایین تر را داشتند. در کل وسیله خرید و فروش و جنس واسطه که حکم پول نقد را داشته است، طلا و نقره بوده که در قالب سکه های دینار و درهم در میان مردم آن زمان رایج بوده است.

یک دینار طلای شرعی هم وزن هجده نخود و هر مثقال بیست و چهار نخود است. پس سه ربع یک مثقال معادل یک دینار است. ناگفته نماند که نخستین بار در تاریخ اسلام سکه در روزگار حکومت امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام ضرب شد. پیش از آن داد و ستد مسلمانان با درهم و دینار کفار بوده است. در روایتی آمده است که پس از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در زمان حضرت باقر علیه السلام سکه درهم و دینار اسلامی زدند.

درهم نیز دوازده نخود نقره خالص است و شش درهم نخود. این نوع معادل سازی تحت قاعده همسانی یک مثقال و بیست و چهار نخود انجام می پذیرد؛ این هم از قصه درهم. همه چیز با درهم و دینار قابل خرید و فروش بوده است. از فرش و لوازم زندگی و زمین و ضیاع گرفته تا مهریه ازدواج، همه با درهم و دینار خریدنی است.

## عمر گران

با این دقتی که در حساب و کتاب درهم و دینار از قدیم الایام تا امروزه بوده است، جای هیچ‌گونه اشتباه و خلطی در ارزش‌گذاری اجناس نبوده است. پس هیچ عاقلی دو درهمی را سه درهم نمی‌خرد، یا جنس پنج دیناری را چهار دینار نمی‌فروخت. در حالت عادی انسان نه چیزی را ارزان می‌فروشد و نه گران می‌خرد، مگر کسی که کلاه سرش برود و مغبون باشد. بشر از آنجا که با دینار و درهم همبستگی داشته و دادوستدهای خود را با آن انجام می‌داده است و نسبت به ارزش دینار و درهم حساس بوده است، لذا حاضر نبود گران‌تر بخرد یا اندکی ارزان‌تر بفروشد.

پیامبر خدا ﷺ با جمله‌ای که ذکر شد دنیایی از سعادت را برای ما به ارمغان آورده است. هر انسانی که در حیات خود، به همین یک جمله عمل کند، از سعادت وافر بهره‌مند خواهد گشت. پیامبر اکرم ﷺ عمر آدمی را با اجناس و اشیای دنیایی که با دینار و درهم خرید و فروش می‌شود همانند می‌کند. طبعاً هرچه با درهم و دینار خریده یا فروخته می‌شود، یعنی به ازای آن پول شمرده می‌شود و رد و بدل می‌گردد، با دقت و وسواس مصرف می‌شود. مقصود حضرت این است که این عمر را چند فروختی! مبادا ارزان بفروشی، در صرف آن از مصرف درهم

و دینارت، دقیق‌تر و سخت‌گیرتر باش. شاید یک دلیل عمده آن، برعکس مال و منال و سکه و دینار و درهم، بازگشت‌ناپذیر بودن این سرمایه خدادادی است.

انسان باید همواره در برابر گذر ساعات و روز و شب خود، این سؤال را از خود بپرسد که در عوض آن چه به دست آورده است و همواره مراقب باشد که عمر خود را ارزان نفروشد و آن را صرف کاری بی‌ارزش و تا حتی الامکان کم‌ارزش نکند: «یا اباذر، کن علی عمرک أشح منک علی درهمک و دینارک».

همان سان که در مصرف دینار و درهم دقیق و محتاطی و مواظبی که چیزی را گران‌تر از قیمتش نخری، در صرف عمر خود دقت و احتیاط بیشتری داشته باش. کسی که قصد فروش خانه یا زمینی را دارد، نهایت احتیاط را می‌کند که مبدا آن را کم‌تر از قیمت و ارزشش بفروشد، و یا در خرید جنسی پول بیشتری نپردازد. همانند این روحیه و بلکه بیشتر از آن را نسبت به گذران عمر خود داشته باشیم.

### بخل پسندیده

حضرت پیامبر ﷺ در اهمیت عمر و دقت در مصرف آن، واژه «اشح» را به کار گرفته است که علاوه بر بلاغت خاصی که به کلام حضرت بخشیده نوعی تضاد عامدانه در آن است. «شَحَّ» در لغت عرب به معنای

بخل است و بخل از صفات مذموم است که حتی قرآن کریم آن را نکوهیده است: «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و هرکس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگاراند»<sup>۱</sup>.

بخل بر زبان ائمه علیهم السلام نیز نکوهش شده است و بدی آن امری مسلم است اما اینکه رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله درباره عمر از آن بهره گرفته است، برای تقریب واقعیتی به اذهان ماست. همان گونه که درهم و دینار انسان ارزشمند است و صاحبش در مصرف آن امساک و بخل می‌ورزد، در گذر ساعات و ایام عمرش بیشتر باید بخل بورزد. بخل در اینجا برعکس جاهای دیگر فضیلت است، وگرنه در کار و زندگی باید از بخل پرهیز کرد. انسان محتاجی که برای خرید جنسی تقاضای تخفیف دارد، چه اشکالی دارد اگر کاسب، آن جنس را با قیمتی کم‌تر به او بفروشد. در این قبیل موارد بخل بد است.

در نگاه حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله عمر تا آن پایه ارزشمند است که بخل در آن شایسته است. این نگرش اشرف اولین و آخرین است که هیچ چشم‌داشتی به دنیا ندارد. نه اینکه توجهش به دنیا کم باشد، بلکه تمام همت و نظرش مصروف آخرت بود.

این ویژگی، یعنی بخل ورزیدن در مصرف عمر، از فضیلت‌هایی است که منزلت انسان را بالا می‌کشد و نعمت‌های بسیاری چه دنیایی و چه آخرتی برای او به ارمغان می‌آورد. پس همه، زن و مرد، و از آن‌ها مهم‌تر، جوانان و نوجوانان عزیز، خاصه خانم‌های جوان و نوجوان محترم، که جایگاه و اهمیتی ویژه در جامعه دارند و وظیفه‌ای مهم به دوش می‌کشند، نباید نسبت به این موضوع بی‌توجه باشند. آینده از آن‌ان است. پس برای موفقیت خود باید تلاش بیشتری بکنند تا آینده دنیا و آخرتشان آبادتر و درخشان‌تر گردد.

## دو گرگ

تکرار از وسایل تحصیل هدف است. امر روحی و معنوی مستلزم دوام و تکرار است. همانند غذا خوردن که دوام و قوام بدن بسته به غذاست، تمرین و ممارست بر فضیلت‌ها و امور معنوی موجب رسوخ و استقرار آن‌ها در نفس و جان آدمی می‌شود. آدمی هر روز و بلکه همه عمر خود غذا می‌خورد. در غیر این صورت بدن او تحلیل می‌رود و از ادامه زندگی‌اش باز می‌ماند. روح انسان نیز همانند جسم نیازمند غذاست، آن هم به صورت مداوم و مکرر، تا بتواند شاداب و سرزنده به حیاتش ادامه دهد.

دو دشمن عظیم همچون دو گرگ همواره در کمین آدم است: یکی شیطان و دیگری نفسِ او که در درون اوست. در روایت در خصوص خطر دومی آمده است: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛ بدترین دشمن تو نفس توست که در میان دو پهلویت جای دارد»<sup>۱</sup>.

مع ذلک اگر روح انسان مریض نباشد و تندرست باشد، این دو گرگ به جان او نیفتاده‌اند. با این حال خطر آن‌ها همیشه او را تهدید می‌کند. موعظه غذای روح انسان است. راز تکرار نماز هر روز و چند دفعه در روز، در همین نیاز روحی انسان نهفته است. نماز مجموعه‌ای است از اذکار موعظه‌بخش که جان و روح آدمی را سیراب می‌کند. پس انسان همانند غذا ناگزیر از تکرار آن است وگرنه روحیه‌اش رفته رفته تحلیل می‌رود.

پس دو گرگ انسان را تهدید می‌کنند، یکی از بیرون که شیطان است و دیگری در درون که نفس اماره نام دارد. خطر این دو به مراتب بدتر از خطر گرگ است. نفس اماره در درون هر انسانی هست و او را به بدی‌ها تشویق می‌کند. مشوق انسان به ظلم و بخل و تکبر و حسد و دیگر خصال مذموم، نفس اماره اوست. مصدر همه این‌ها نیرویی

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۱.

است در وجود آدمی که از آن در قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم السلام به نفس اماره تشبیه می‌شود: «النفس الامارة بالسوء».

دومین دشمن انسان و دشمن بیرونی او شیطان است. در پاره‌ای از روایات انسان به خانه‌ای تشبیه شده است و شیطان دزد خانه. معصوم سفارش به بستن درب خانه می‌کند، زیرا با این کار مانع دستبرد دزدان به خانه می‌شود. شیطان نیز از جمله دزدانی است که در بیرون است. اگر در خانه دلت را قفل کنی، شیطان نمی‌تواند به مغز و روح تو راه یابد. در روایتی از معصوم علیه السلام در خصوص بستن درها سؤال می‌شود. حضرت می‌فرماید: «اغلق بابک فإنّ الشیطان لا یفتح باباً؛ در [خانه‌ات] را ببند، زیرا شیطان نمی‌تواند دری را بگشاید»<sup>۱</sup>.

اگر پنجره دل و جان ما به روی شیطان بسته باشد، شیطان توان گشودن راهی به آن ندارد، مگر آنکه خود آن را باز بگذاریم و راهی برای سرک کشیدن او بگشاییم. شیطان نیز از آن راه پیوسته انسان را وسوسه می‌کند و او را به انجام گناه تشویق می‌کند. در آن صورت روح انسان همانند جسم مرتب نیازمند تغذیه خواهد بود و اگر به موقع غذا به او نرسد، زار و نحیف می‌گردد و طعمه شیطان می‌شود.

۱. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۸.



## تأملی در مصرف عمر

غذای روح انسان چیزی پیچیده یا دست‌نیافتنی نیست. سفارش‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامَةُ و کلام الله مجید غذای روح و جان انسان است. سفارش‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر بهترین قوت روح انسان است. اگر انسان روزانه زمانی هرچند اندک صرف مطالعه و حفظ این سفارش‌های گران‌بها کند، البته که در به کار بستن و مداومت بر آن‌ها موفقیت بیشتری تحصیل خواهد کرد و اثر آن بر جان و روحش ماندگارتر خواهد بود.

ماه مبارک رمضان فرصت پرورش روح و رسیدگی به نیازهای احیاناً فراموش شده آن است. این ماه بهار دل‌هاست. فرصت آن است که قدری به تغذیه و نیازهای روح توجه بیشتری کنیم. پس همگان به‌ویژه جوانان و نوجوانان و بالخصوص دختران جوان و نوجوان را به مطالعه و صیایای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر غفاری در این ماه مبارک سفارش می‌کنم. طبیعی است اگر در جریان مطالعه فهم پاره‌ای از الفاظ آن برای ایشان دشوار باشد که با پرس‌وجو از دیگران این دشواری‌ها برطرف می‌گردد. با این کار به روشنی معنای آن را در خواهند یافت و امید آنکه ذره ذره آن را در زندگی خود به‌کار بندند.

عمر انسان می‌گذرد ولی چه بهتر که بجای و در امور ارزشمند صرف شود. واقعاً چقدر اهمیت دارد که افطار چه بخوریم یا در سحری حتماً فلان غذا را بخوریم؟! گاهی دیده می‌شود برخی عنایتی فوق‌العاده در تهیه غذایی خاص در این ماه مبارک دارند و خود را ملزم می‌کنند که حتماً در وعده افطاری یا سحری فلان غذا را بخورند. حتی گاهی برای تهیه آن خود را به زحمت می‌اندازند و چه بسا وقت زیادی را هم صرف تهیه آن می‌کنند. آیا حیف نیست که عمر ارزشمند انسان و ساعات بابرکت این ماه شریف یکسره صرف چنین اموری شود؟

انسان باید خود را از بند این تقیدها برهاند و بیش از حد اعصاب خود را در این قبیل امور ناراحت نکند. مهم آن است که انسان با چیزی رفع گرسنگی و تشنگی کند و تا افطار روز دیگر از پا نیفتد. ساعات و اوقات این ماه مختص به دعا و نماز و زیارت است. صله رحم، برّ والدین و امور خیر دیگر، از کارهایی است که باید در این ماه توجه بیشتری به آن‌ها شود، البته این به معنای مختل کردن امور معاش و زندگی نیست.

از حدیثی که در ابتدای بحث ذکر شد، قاعده‌ای کلی به دست می‌آید که انسان در زندگی خود همواره باید ذهنی حسابگر و اصطلاحاً اقتصادی داشته باشد. همواره باید کارهای زندگی خود را سبک و سنگین

کند و آن را که بهتر و مهم‌تر است، بر امور کم‌اهمیت‌تر یا غیرضروری ترجیح دهد: «کن علی عمرک أشح منک علی درهمک و دینارک».

در مصرف عمر باید از مصرف درهم و دینار بخیل‌تر و تنگ‌نظرتر بود. برای خانه‌ای که هزار دینار می‌ارزد، دو هزار دینار نمی‌پردازیم، همان‌گونه که قاعدتاً خانه دو هزار دیناری را کسی به قیمت هزار دینار نمی‌فروشد. با این شیوه در امور زندگی کاسبکارانه و با حساسگری باید تأمل ورزید. کارهای خوب فراوان است ولی همواره عمر خود را در بهترین و مهم‌ترین امور صرف باید کرد.

### اهمیت فوق العادهٔ ورع و پرهیز از گناه در ماه مبارک رمضان

دو موضوع پراهمیت است که هرچه از اهمیت آن گفته شود، باز هم کم است. این دو حکم «مقویات روح» را دارند. مقویات روح و مقویات قلب و حتی مقویات ذهن در کنار مقویات جسم قابل طرح‌اند و نباید از آن‌ها غفلت کرد. انسانی که ضعف بنیه دارد، ناگزیر به خوردن غذاهایی روی می‌آورد که دوباره جسم او را قوت بخشد و ضعف را از بنیه‌اش زایل کند.

اولی از آن دو چیز مهم اینک هر قدر خوب هستید، بکوشید بهتر شوید. در خوبی نباید به حدی قناعت کرد. هر قدر خوش اخلاق هستید،

سعی کنید خوش اخلاق تر باشید. هر قدر ورع و تقوا داشته باشید، تلاش کنید با ورع تر و باتقواتر باشید. سخن به ورع کشید و جای آن دارد از روایت مشهوری یاد کنیم که با این ایام ارتباط و مناسبت دارد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرساله پیش از حلول ماه مبارک رمضان خطبه‌ای می‌خواندند که چندتای آن در کتب روایات ثبت شده است. از میان آن‌ها مشهورتر و مهم‌تر خطبه‌ای است که حضرت در آن به موضوعات مختلفی در خصوص این ماه مبارک و اعمالی که شایسته است به آن‌ها توجه بیشتری شود، پرداخته‌اند. در این خطبه حضرت قریب به ده تا پانزده مورد را از قبیل صلوة رحم، تلاوت قرآن مجید، بر والدین و بسیاری دیگر را نام می‌برد که در این ماه باید اهتمام بیشتری به آن‌ها داشت.

سخنان حضرت که تمام شد، حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام برخاست و از حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کرد: یا رسول الله، افضل اعمال در این ماه چیست؟

حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برخلاف تصور از هیچ کدام از آن اعمال نام نبرد و فرمود: «أفضل الأعمال في هذا الشهر الورع عن محارم الله؛ برترین کار در این ماه ورع (پرهیز) از محارم الهی است»<sup>۱</sup>.

۱. مقتل الحسين عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۴۷۷.

ورع پرهیز از گناه است. حضرت ورع را مهم‌ترین کار در ماه مبارک رمضان می‌داند و شاید مهم‌ترین دستاورد این ماه مبارک را نیز ورع از محارم و گناهان می‌توان دانست. انسان در این ماه باید تلاش کند هرچه بیشتر از گناهان و مناهای فاصله بگیرد و در مقابل در انجام واجبات کمر همت بسته، یک به یک آن‌ها را به جا آورد. واجبات به نمازهای یومیه و روزه و چند عمل عبادی خلاصه نمی‌شود. روزه یکی از واجبات الهی است که بر انسان سالم و غیرمسافر که عذری ندارد، واجب است. اما دامنهٔ واجبات بسیار گسترده‌تر و پرشمارتر از این است. محرمات نیز بسیارند. قطع رحم، عقوق والدین، اهمال در تربیت فرزندان که منجر می‌شود به ارتکاب حرام بیفتند، دروغ، غیبت، تهمت و حتی رعایت نکردن حقوق همسایه و هم‌نشین در حضر و سفر یا حقوق خریدار و فروشنده نسبت به یکدیگر و بسیار بسیار موارد دیگر، از واجبات و محرماتی است که باید انسان باورع در زندگی خود آن‌ها را رعایت کند.

در کل، ورع در این ماه یعنی اینکه انسان تلاش کند در ماه مبارک رمضان واجبی از او ترک نشود و اگر - خدای ناکرده - نفس اماره از درون بر او فشار آورد و شیطان از خارج، که مرتکب کار حرامی شود یا واجبی را ترک کند، فوراً استغفار کند تا خود را از آن گناه یا ترک واجب، پاک گرداند.

همان‌گونه که قرآن کریم فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند، و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند»<sup>۱</sup>.

### اطعام و حدّ و حدود آن

اطعام در ماه مبارک رمضان فضیلت بسیاری دارد. اگر کسی توان دارد، در خانه‌اش مهمانی بگیرد، وگرنه پولی بدهد. اطعام در حدّ وسیع است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند که اگر کسی ندارد، اگر شده به قدر یک تکه خرما و نصف آن اطعام کند: «اتقوا النار ولو بشقّ تمرّة؛ از آتش جهنم دوری کنید، حتی اگر با [اطعام] تکه‌ای خرما باشد»<sup>۲</sup>.

کسی ندارد، یک لیوان آب دست کسی بدهد. آب که معمولاً همه‌جا موفور است. این کار که دیگر از دست همه برمی‌آید. مهم انفاق است، حال هرکسی به حدّ توان خود.

۱. آل عمران/۱۳۵.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

## تأثیرپذیری یا تأثیرناپذیری ارشاد

همه آنچه رفت فضیلت است اما از هر کاری پرفضیلت تر در ماه مبارک رمضان پرهیز از گناه و محافظت بر واجبات است. در این میان اگر برای مثال، زن یا شوهر ورع نداشته باشند، دلیل نمی شود همسرش نیز جانب ورع را ترک کند. در اینجا باید از در موعظه درآید و او را نصیحت کند. یک بار یا دوبار این کار را انجام دهد. اگر مؤثر نبود، وظیفه از دوش او برداشته شده است. اگر نصیحت اثر کرد و هدایت یافت، به اندازه ثواب های او اجر می برد و در نامه اعمال همسرش ثبت می گردد. این دومین امر مهمی است که باید وجه همت همه ما قرار بگیرد.

انبیا نیز حال مشابهی داشته اند. همه نصیحت های آنها را نمی پذیرفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصحاب زیادی داشت اما همه آنها به حرف های او عمل نمی کردند و در میان آنها کم نبودند کسانی که افراد خوبی نبودند. تا جایی که خدای متعال در قرآن سوره ای به نام المنافقون دارد که در آن و نیز در جاهای متعددی از قرآن وصف منافقان از یاران آن حضرت آمده است. منافقان کسانی بوده اند که در گذشته بت پرستانی بوده اند که بعدها به ظاهر اسلام آورده اند ولی در باطن چندان پایبند به اسلام نبوده اند. اینان در شمار اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند اما اوامر

پیامبر ﷺ را گردن نمی‌نهادند و حتی با کارشکنی‌های خود مشکلات بسیاری برای حضرت پدید آوردند.

رفتار پیامبر ﷺ در برابر منافقان آموزنده و کارگشاست. حضرت با آنکه از باطن منافقان آگاه بودند، ایشان را موعظه می‌کردند و دست از نصیحت آنان بر نمی‌داشتند. هرچند نصایح حضرت در منافقان اثر نمی‌گذاشت، باز پیامبر ﷺ به وظیفه خود عمل می‌کردند. مؤمنان نصایح پیامبر ﷺ را به جان و دل می‌خریدند و بدان عمل می‌کردند، اما منافقانی که گویی آن‌ها را نمی‌شنیدند همچنان به رفتارهای دوگانه و منافق‌گرایان، خود ادامه می‌دادند.

حاصل سخن اینکه پیامبر ﷺ در برابر تلاشی که در اجرای وظیفه خود می‌کرد، حتی اگر از او پیروی نمی‌کردند، اجر و پاداش می‌برد. نیز هم‌اندازهٔ ثواب کسانی که با سخنان پیامبر ﷺ هدایت یافتند، به پای پیامبر ﷺ نیز ثواب می‌نویسند، زیرا پیامبر ﷺ مسبب هدایت آن‌ها شده بود. هرچند هدایت از سوی خداست اما سبب و وسیلهٔ آن شخص پیامبر ﷺ بوده است. در روایت آمده است که به اندازهٔ ثواب نماز همهٔ نمازگزاران تا آخر دنیا به رسول خدا ﷺ ثواب می‌دهند. این قاعده به دیگران نیز تعمیم می‌یابد. هرکس تا روز قیامت سبب شود که کسانی کار خیر کنند، هم‌چند ثواب آن‌ها به او نیز پاداش می‌دهند.



## تصمیم و تلقین، ابزارهای تزکیه نفس

دنیا فرصتی تجدیدنناپذیر است. حیف است سپری شود و از آن کم‌تر استفاده کنیم. روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان از باارزش‌ترین اوقات عمر انسان است. این کار تعبیر دیگری از تزکیه نفس است. خدای متعال مکرر بر تزکیه نفس در قرآن کریم توصیه فرموده و آن را یگانه راه رستگاری می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ که هرکس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد»<sup>۱</sup>.

اما تزکیه نفس چگونه انجام می‌پذیرد و نیازمند چه اموری است؟ به طور عمده تزکیه نفس مستلزم دو چیز است: یکی تصمیم و دیگری تلقین.

تصمیم انسان برای بهتر شدن مقدمه تزکیه نفس است. همه چیز با تصمیم آغاز می‌شود. کاسبی که هر روز صبح تا شب زحمت می‌کشد و پول در می‌آورد، چرا این همه به خودش زحمت می‌دهد؟ آیا جز این است که برای حفظ آبروی خودش و تأمین نیازهای خانواده‌اش تلاش می‌کند؟ این کار به فرموده معصوم علیه السلام عبادت است. او هر اندازه که درآمد داشته باشد، باز هم بیشتر و بیشتر می‌کوشد و طبعاً بر اموال و دارایی‌اش حقوق و واجباتی از قبیل خمس و زکات، زکات فطریه و فدیة

۱. شمس/۹.

و کفارات مترتب است. با آنکه کاسبی امری بسیار پسندیده است و منافع فراوانی برای خود و خانواده و دیگران در بر دارد، بر انسان واجب نیست الزاماً کاسبی کند. آنچه در درجهٔ اول و جوب دارد اینکه تصمیم بگیرد و به خودش تلقین کند که همواره باورع تر باشد. باید تقوایش بیشتر و اخلاقش بهتر شود. این واجبی عینی بر همه است. تزکیهٔ نفس به معنای ورع و تقوا و خوش اخلاقی واجب عینی است.

### سنت‌های جاودانه

دیگر مسئولیتی که اهمیت فراوانی دارد و در ماه مبارک رمضان باید به آن توجه بسیار شود، راهنمایی دیگران است. باز تکرار می‌کنم که در این زمینه جوانان و نوجوانان پسر و دختر بیش از همه مورد توجه‌اند ولی مختص قشر خاص یا افراد خاصی نیست و وظیفه‌ای است همگانی. برادر، خواهر، شوهر، پدر و مادر، دایی و عمه و خاله، هم‌کلاس و هم‌درس و هم‌کار، همه باید در ارشاد و راهنمایی یکدیگر اهمال نورزند. هرکس یکی از آشنایان و دوستانش واجبی را ترک کند یا معصیتی مرتکب شود، بر او واجب کفایی است که او را راهنمایی کند، خواه به نصایح او عمل کند، یا نکند. مهم این است که به وظیفه‌اش عمل کند و دیگر مسئولیتی در قبال او ندارد که چرا عمل نکرد. مسئولیت عمل نکردن برعهده خود اوست.

روی دیگر قضیه را نباید نادیده گرفت. اگر کسی را راهنمایی کنید، حتی اگر ده بار و صد بار تکرار کنید و مؤثر شود و طرف بدان عمل کند، هم اندازه ثواب او در نامه اعمال شما ثبت می‌گردد، چراکه به فرموده حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدال على الخير كفاعله؛ راهنمایی کننده به کار خیر، همانند انجام‌دهنده آن است»<sup>۱</sup>.

نیز در حدیث دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «من سنَّ سَنَةً حَسَنَةً كان له اجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة؛ هرکس سنتی نیکو بنا نهد، پاداش آن و پاداش کسانی که تا روز قیامت بدان عمل می‌کنند، برای او [محفوظ] است»<sup>۲</sup>.

## بورس آخرت

همه روزها و ماه‌های سال فرصت انجام امور خیر، عمل به واجبات و ترک محرمات است. ماه شعبان و ماه شوال برای ختم قرآن، صلۀ رحم و برّ والدین و در رأس همه آن‌ها، راهنمایی و نصیحت دیگران مناسب است، اما بهار آن ماه مبارک رمضان است. در دیگر ماه‌های سال ثواب یک ختم قرآن همان است، اما در ماه مبارک رمضان ثواب یک «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتن معادل ثواب یک بار ختم قرآن است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

۲. الفصول المختارة من العیون والمحاسن، ج ۱، ص ۱۳۶.

هر آیه‌ای ثوابی به اندازه قرائت همه قرآن دارد. آیا این بورس نیست؟ این بورس آخرت و بورس فضیلت است. پس حیف است که انسان این فرصت خاص و کمیاب را از دست بدهد.

در خصوص راهنمایی دیگران نیز همین قصه هست و در همه ماه‌های سال باید به این واجب پرداخت، ولی در ماه مبارک رمضان بیشتر باید تلاش کرد، چراکه اجر آن در این ماه چندین برابر است.

### خدای حاضر و ناظر

پس این ماه فرصتی خاص است برای تزکیه و رشد ورع و تقوا و خصوصاً موضوع راهنمایی دیگران. اینها همه بسته به تصمیم و تلقین است. کار آسانی نیست، ولی چندان هم دشوار نیست. اگر انسان تصمیم بگیرد، حتماً موفق می‌شود. جوینده یابنده است. کسانی که در امور دنیایی تنبل هستند، نعوذ باللله، به گدایی می‌افتند. گاهی ممکن است کسی از سر ناچاری دستش را جلوی دیگران دراز کند اما اگر تنبلی کرده است، قطعاً کار او نادرست است. در کسب فضیلت‌ها نیز این مسأله وجود دارد. پس نباید در امور معنوی تنبلی و کاهلی کرد.

عقاید و اصول دین هسته و درون‌مایه‌های اعتقادات ما را تشکیل می‌دهد. انسان باید در همه حال خدا را ناظر اعمال خود ببیند. بی‌تشبیه اگر در اتاقی دوربینی نصب شده باشد، انسان در کارهای خود احتیاط

می‌کند، زیرا کسی را ناظر کارهایش می‌بیند. هرچند این تشبیه مناسب نیست اما خدا را نیز باید مانند دوربین حاضر و ناظر اعمال خود بدانیم. با این نگرش از ارتکاب خیلی گناهان خودداری می‌کنیم و واجبات خود را جدی‌تر و دقیق‌تر انجام می‌دهیم.

اما فرق فارقی میان عملکرد دوربین مخفی و رفتار کریمانه خدای متعال وجود دارد. دوربین ضبط‌کننده و پخش‌کننده همه اعمال خوب یا بد ماست، اما خدای متعال که البته هیچ عملی از نظر او پوشیده نیست، اعمال ما را برای دیگران فاش نمی‌کند. حتی ملائکه خدا نیز که موکل بر اعمال ما هستند، موظف‌اند آن‌ها را در نامه ما ثبت کنند و نمی‌توانند چیزی را کتمان کنند. اما پروردگار مهربان ما که ناظر و شاهد هر کار و حتی هر نیتی است که در دل و ذهن ما خطوط می‌کشد، ستار العیوب است. از طرفی خدای متعال برعکس ما که ممکن است فراموش کنیم یا دستگاهی که ممکن است اطلاعات ضبط شده در آن محو و نابود شود، نستجیر بالله، نه فراموشی به او دست می‌دهد و نه از محاسبه چیزی از اعمال ما فروگذار است.

در روایات بسیار آمده است که اگر انسان فریفته نفس اماره‌اش شد و فریب شیطان را خورد و به گناهی تن داد، اگر از کرده خود پشیمان گردد و به درگاه پروردگارش توبه کند، خدای مهربان از سر رحمت و مغفرت

واسعه‌اش، بر گناهش قلم عفو می‌کشد و آن را محو می‌کند. این ویژگی خدای خطاپوش ماست که هیچ انسان و ملک و دستگاهی حائز این فضیلت منحصر به فرد نیست.

### نقش مهم اصول دین در دینداری

اکنون که چنین خدای مهربان و خطاپوشی داریم که هیچ موجودی را در مهربانی و عطوفت یارای رسیدن به او نیست، چه اندازه ما او را قبول داریم؟ خداباوری ریشه دینداری است و فراتر از آن، همه فضیلت‌های اخلاقی و کرامت‌های انسانی ریشه در خداباوری دارد. بدون باورداشتن این اصل مهم بسیاری از مفاهیم بنیادی زندگی انسان درهم فرو می‌ریزد. از این رو انسان باید بنیاد اعتقادات خود را محکم و خدشه‌ناپذیر بنا کند. اصل نخست اعتقادی همان توحید یا خداباوری است که تا اینجا شمه‌ای از آن بیان شد. اصل مهم دیگر عدالت خدای رحمان است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ؛ در حقیقت خدا هم‌وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

البته دلیلی وجود ندارد که خدای متعال به کسی ظلم کند. کسی ظلم می‌کند که نیاز دارد و خدای سبحان بی‌نیاز است. کسی که پول ندارد یا نیازمند است برای رفع نیازش دست به دزدی می‌زند، ظلم می‌کند

و حتی آدم می‌کشد تا به خواسته خودش برسد. حال آنکه خدای متعال هیچ نیازی ندارد و از هر ظلم و ستمی منزّه است. عدالت خدا را باید این چنین در وجود خود باور داشته باشیم.


اصل سوم نبوت است و تصدیق رسالت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و در پی آن اصل مهم امامت است که مبتنی بر تولی از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامَةُ و تبری از دشمنان ایشان است. این دو، تبری و تولی یکی بدون دیگری به کار نمی‌آید و ناقص است. هر دو باید توأمان باشند وگرنه فایده‌ای ندارند. نباید این دو را مانند نماز و روزه از فروع دانست. این‌ها جزو اصول مسلم دین هستند. دست آخر اعتقاد به این اصول عقیده معاد را در وجود ما می‌دواند. کسی که دادگاهی دارد و روزی باید خود را به دادگاهی عرضه کند تا به کارهای او رسیدگی شود، ممکن است محکوم شود و شاید هم تبرئه گردد. این فکر تمام ذهن و ضمیرش را به خود مشغول می‌کند، حتی ممکن است خواب و خوراکش را هم مختل کند. نیز طبیعی است که برای حضور در آن دادگاه و دفاع از خود مستندات و ادله کافی جمع کند. همگی ما دادگاهی مفصل در حضور داوری دادگر در پیش داریم که هیچ کار کوچک یا بزرگی از نظر او مخفی نبوده است. پس چه بهتر خود را آماده سازیم که بتوانیم جوابگوی اعمالمان باشیم و دست به کارهایی نزنیم که دلیلی برای دفاع از خود در آن محکمه الهی نیابیم.

با این توصیف هرکس هرچه خدا باوری و معاد باوری در او قوت بیشتری داشته باشد، از سعادت بیشتری برخوردار است و بر توفیقاتش نیز افزوده خواهد شد.

ماه مبارک رمضان گلستان یا ربیع این کارها و توفیقات است. سعی و تلاش آن هم با تصمیم جزمی و تلقین مستمر ما را در رسیدن به اهداف معنوی مان موفق تر می کند. مطالعه و تأمل در احادیث معصومان علیهم السلام راهنما و کارگشای ما در این راه است و هرگز نباید به حدی بسنده کنیم و دست آخر راهنمایی دیگران را وظیفه ای ناگزیر برای خود بدانیم. امیدوارم خدای عزوجل این توفیقات را به همگی ما مرحمت بفرماید.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين





روشنگری؛  
رسالت عصر ما



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطاهرين<sup>۱</sup>

فرارسیدن سالروز رحلت ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام را به ساحت مقدس و مقام رفیع و منیع امامت کبری و حجت عظمی حضرت بقیة الله، مهدی موعود علیه السلام و تمام زنان و مردان مؤمن در سراسر جهان تعزیت عرض می کنم.

امیدوارم خدای عزوجل در فرج آن حضرت تعجیل بفرماید تا از این طریق دنیای ما که گرفتار مشکلات و معضلات گوناگون شده و به دنبال آن کشورهای اسلامی و غیراسلامی در گرداب بلاها و سختی ها گرفتار آمده اند، از این مصیبت ها رهایی یابند.

### **بانوی بی مانند**

در مقام سخن گفتن از بزرگ بانوی اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام همگان می دانند که ایشان تا پیش از ازدواج با رسول مکرم خدا صلی الله علیه وآله

---

۱. بایانات مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دامت ظله در گردهمایی سالانه بانوان در ماه مبارک رمضان ۱۴۴۴ هجری قمری.

از جایگاه و مقام والایی در جامعه آن روز جزیره العرب برخوردار بودند و مهم‌ترین فرد در آن منطقه به شمار می‌رفتند. از سوی دیگر تاجران و متمکنان جزیره العرب، مخصوصاً قریش و بنی هاشم از زمره کارمندان آن بانو به‌شمار می‌آمدند اما پس از ازدواج ایشان با نبی مکرم اسلام ﷺ اوضاع دگرگون شد و از منظر دنیوی تمام سرمایه آن حضرت از بین رفت. با اینکه افراد زیادی با حضرت خدیجه عَلَيْهَا انتساب خویشاوندی داشتند اما پس از این جریان همگان او را رها کردند و دیگر اعتبار و احترامی برایش قائل نبودند. تنهایی حضرت خدیجه عَلَيْهَا در ایام ولادت حضرت زهرا عَلَيْهَا گواه روشنی بر مظلومیت و غربت آن بانوست، چراکه هیچ یک از زنان قوم یا نزدیکان و حتی همسایه‌ها به یاری ایشان نیامدند. آن بانو علیرغم اینکه ثروتمندترین فرد در جزیره العرب بودند، تمام دارایی و سرمایه خود را در راه خدا و یاری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صرف نمودند تا جایی که مورخان در احوالات ایشان گفته‌اند آن حضرت با حال گرسنگی در شعب ابی طالب از دنیا رحلت کردند. غربت همین بس که ثروتمندترین بانوی منطقه حتی چیزی برای خوردن و نجات از گرسنگی در اختیار نداشت.

## روزگار شعب

بهتر است پیش از پرداختن به ماجرای شعب ابی طالب، چشم اندازی از این تعبیر ارائه دهیم. در قاموس عرب اگر میان دو سلسله کوه

فاصله‌ای بیش از چند صد متر وجود نداشته باشد، از آن به مسیل یاد می‌کنند، چراکه این منطقه محل عبور سیل پس از باران می‌شود. اما اگر میان دو سلسله کوه زمینی به مساحت زیادی مثلاً بیش از یک الی دو کیلومتر وجود داشته باشد، لغت عرب از آن به شعب تعبیر می‌کند. همینطور اگر میان آن دو بیش از چند ده کیلومتر فاصله باشد، به آن وادی گویند.

جغرافیای مکه مکرمه در آن روزگار به این گونه بود که میان رشته کوه‌های متصل به مکه و زمین‌های پس از آن، رشته کوه‌های دیگری وجود داشت و به زمین میان این دو سلسله جبال، از آنجایی که منسوب به حضرت ابوطالب پدر امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام بود، شعب ابی طالب گفته می‌شد. بزرگان مشرکان مکه پس از سال‌ها مبارزه با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آزار مسلمانان، معاهده و توافقی میان خود تنظیم کردند. طی آن قرارداد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آنان که به ایشان ایمان آورده بودند و همینطور کسانی که از ایشان حمایت می‌کردند، باید از مکه اخراج و در شعب ابی طالب در محاصره همه جانبه اقتصادی قرار می‌گرفتند و اگر از این دستور سرپیچی می‌کردند، کشته می‌شدند. این توافقنامه میان بزرگان مکه به امضا رسید و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان به همراه زن و فرزند ناچار به ترک مکه و اسکان در شعب شدند.

این حصر همه جانبه سه الی چهار سال به طول انجامید و مسلمانان تمام این مدت را در شرایط سختی در آفتاب تابستان و سرمای زمستان بدون کم‌ترین امکانات سپری کردند.

در رابطه با وضعیت معیشتی مسلمانان در این دوران تاریخ ذکر می‌کند که حتی انتقال آب قابل شرب به این منطقه ممنوع و جرم بود و مسلمانان به ناچار از آب بارانی که در گودال‌ها جمع می‌شد و حیوانات نیز از آن می‌نوشیدند، استفاده می‌کردند. حضرت زهرا علیها السلام نیز در خطبه خود در مسجد مدینه به این آب اشاره کرده، از آن به «الطرق» تعبیر کرده‌اند.

کفار حتی انتقال مواد غذایی به محاصره شدگان شعب را ممنوع کرده بودند و در این مدت به ندرت افرادی به صورت مخفیانه مقداری آب و غذا به آنان می‌رساندند.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در چنین وضعیت نامساعدی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر مسلمانان در شعب ابی طالب روزگار سپری کردند تا اینکه در سال‌های حصر از دنیا رفتند.

سفارش بنده به تمام کسانی که از هر طریقی به تاریخ دسترسی دارند این است که ماجراهای شعب ابی طالب و روزگار حصر مسلمانان در آن منطقه را در کتاب بحارالانوار مطالعه کنند. بسیار سخت و دشوار است کسی این فصل از این کتاب را مطالعه کند و از سختی‌هایی که مسلمانان و رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام در آن روزها از سر گذراندند مطلع گردد و اشک از چشمانش جاری نشود. حضرت خدیجه علیها السلام پس از آن عزت و عظمتی که داشت، سرانجام به چنین وضعیتی دچار شد و در راه خدا صبر کرد.

تمام این مجاهدت‌ها سبب گشت تا علاقه پیامبر ﷺ به آن بانوی فداکار روزبه‌روز فزونی یابد. طبق نقل تاریخ پس از سال‌ها پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کردند. در ایام ازدواج حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ جمعی از زنان پیامبر ﷺ در محضر ایشان بودند. سخن از حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به میان آمد. در این هنگام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منقلب شدند و اشک از چشمانشان جاری شد. زنان به ایشان عرض کردند: سال‌ها از رحلت خدیجه گذشته است اما هرگاه یادی از او می‌شود، شما به یاد او اشک می‌ریزید؟! در این هنگام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدح حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ جملاتی فرمودند که بنده به یاد ندارم ایشان در طول حیاتشان این تعابیر را در مورد شخص دیگری به جز معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مانند حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به کار برده باشند. ایشان فرمودند:

«أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَزَّتْنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَاتَبَنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا؛ مثل خدیجه پیدا نخواهد شد. خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود، و مرا با ثروت خود برای پیشرفت دین خدا یاری کرد»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

در لغت عرب به این سیاق و این چینش کلامی «انکار ابطالی» گفته می‌شود، یعنی در هیچ جای دنیا هیچ مثل و مانندی برای حضرت خدیجه عَلَيْهَا یافت نمی‌شود. این تعابیر از آن رو نبود که آن بانو همسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند بلکه به دلیل عملکرد او بود.

این مطلب تنها شمه‌ای از مقام رفیع حضرت خدیجه عَلَيْهَا بود. بنده به تمام بانوانی که توانایی دارند سفارش می‌کنم با مراجعه به تاریخی که از زبان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بیان شده و نه تاریخی که منافقان ارائه کرده‌اند، مطالبی را طی یک الی چند سال پیرامون حضرت خدیجه عَلَيْهَا گردآوری کنند. کتاب بحارالانوار مصدر خوب و مناسبی برای این کار است. شما بانوان می‌توانید با مراجعه به این کتاب، مطالبی که در رابطه با حضرت خدیجه عَلَيْهَا در آن ذکر شده است را به زبان روز گردآوری و تبویب کنید. این کار سبب عزت و آبرومندی شما در دنیا و آخرت و در محضر خدا و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام خواهد شد.

### توصیه رضانی

سفارش بنده به شما بانوان گرامی، مخصوصاً بانوان جوان و نوجوان، در دو دهه پایانی باقی مانده از ماه مبارک رمضان همان سفارشی است که چندی قبل در گردهمایی مبلغان، به برادران مؤمن عرض کردم.



در عصر حاضر دو واجب عینی برعهده همگان قرار دارد، بدون تفاوت که زن باشند یا مرد، جوان باشند یا مسن، خانه دار متزوج باشند یا ازدواج نکرده باشند و... . تحصیل ورع نخستین واجب عینی برعهده همگان است. ورع دارای مراتب گوناگون است اما اولین پله آن در یک قاعده علمی به نام قانون اشتراک خلاصه شده است. به این معنا که تمام احکامی که بر مردها مترتب است، بر زنها نیز لازم است و بالعکس تمام احکامی که بر زنها لازم است برای مردان نیز ضروری است. در این میان یک دسته از احکام مخصوص به مردها و یا زنها است که از این قانون مستثنی هستند. به عنوان مثال بر مردان واجب است نماز صبح و مغرب و عشاء را به جهر بخوانند در حالی که این قانون از زنها استثنا شده است و یا بر مردان جایز نیست در حال احرام زیر سقف قرار گیرند در حالی که برای زنان مانعی وجود ندارد. این موارد و از این قبیل قوانین استثنائی هستند که شاید ده درصد از احکام را نیز شامل نشوند. در غیر از این احکام، زن و مرد یکسانند.

از جمله احکامی که بر زن و مرد فراگیری آن واجب است تحصیل و تعلیم عقاید صحیح اعم از توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است. شاید از خود سؤال کنید مگر توحید ناسالم هم وجود دارد؟! بله؛ توحید ناسالم توحیدی است که از طریق منافقان در میان مسلمانان انتشار یافت

که چهرهٔ دروغینی از خدا به مسلمانان ارائه کرد. جسم بودن خدا و داشتن دست یا مذکر بودن خدا و داشتن محاسن و از این قبیل افکار در قالب توحید ناسالم توسط منافقان در پیکره اسلام رخنه کرد. منظور از توحید ناسالم و غیر صحیح، چنین باورهایی نسبت به خدای متعال است. توحید سالم و پیراسته از دروغ‌پردازی، توحیدی است که منشأ آن قرآن یا رسول خدا ﷺ یا عترت پاک ایشان علیهم‌السلام باشد. فراگیری چنین توحیدی و رسیدن به درک و باور آن، بر هر مرد و زنی واجب عینی است. در این میان روزهای باقی مانده از ماه مبارک رمضان فرصت بسیار مناسبی برای این مطلب است. پس بانوان گرامی سعی داشته باشند در این دو دههٔ باقی مانده از ماه مبارک رمضان به تصحیح عقاید خود پردازند، مخصوصاً خانم‌های جوان و نوجوانی که اهل تحصیل یا خانه‌دار هستند. اگر در این میان خانمی قادر به خواندن و نوشتن نیست، که البته در عصر کنونی تعدادشان اندک است، بر آن‌ها واجب است عقاید صحیح را با سؤال کردن از دیگران فرا بگیرند. این موارد به اصطلاح علمی از مقدمات وجود واجب است.

### مرتبه دوم از مراتب ورع

مرتبه دوم در راه کسب ورع، رعایت واجبات و محرمات است. به این معنا که هرکدام از زنان و مردان مرتکب حتی یک حرام نشوند و یا اگر

شیطان و نفس اماره بر آن‌ها مسلط شد و آنان را به ارتکاب حرام کشاند، فوراً توبه کنند.

خوب است بدانیم که توبه خود دارای سه بخش است. مرحله اول از توبه پشیمانی از گناه است. مرحله دوم تصمیم بر عدم تکرار گناه است، به این معنا که تصمیم بگیرد آن گناه را برای بار دوم تکرار نکند. اما اگر شیطان و نفس اماره باز او را فریب دادند و او دوباره یا حتی ده‌باره مرتکب آن گناه شد، باز به توبه روی آورد و تصمیم جدی بر عدم تکرار گناه بگیرد. سومین مرحله از توبه هم استغفار و طلب بخشش از خداست. استغفار هم نیازمند لفظ و تعبیر خاصی نیست. همین که انسان با زبان از پیشگاه خدای عزوجل طلب بخشش کند و با او عهد ببندد که مرتکب آن گناه نمی‌شود، توبه تحقق یافته است. پس دو مرحله اول توبه، یعنی پشیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن گناه، قلبی و مرحله سوم که استغفار است، مرحله زبانی توبه هستند. توبه متشکل از همین سه بخش است. پس اگر شخصی خدای ناکرده مرتکب حرامی شد، همین گونه توبه کند.

## مراتب والای ورع

مطالبی که بیان شد، مراتب واجب کسب ورع است اما این مقوله دارای مراتب عالیه و بالاتری نیز هست که شایسته است مؤمنان به آن‌ها توجه داشته باشند و در جهت کسب آن‌ها تلاش نمایند.

از جمله مراتب والای ورع، ترک مکروهات است. شایسته است انسان تصمیم بگیرد، علاوه بر ترک محرمات، از مکروهات نیز اجتناب کند. مکروهات شامل تمام افعالی است که مورد رضایت خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیست اما در زمره محرمات نیز قرار ندارد. مکروهات برای سنجش میزان التزام بندگان به رضایت خدا و معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام است. پس شایسته است انسانی که در صدد کسب مراتب عالیه ورع برآمده است، حتی در صورت ارتکاب مکروه توبه کند و از خدا طلب مغفرت نماید. واضح است که این استغفار مستحب است و واجب نیست.

مرتبه بعدی این است که انسان مؤمن سعی داشته باشد به انجام مستحبات مورد ابتلای خود نیز ملتزم باشد و آن‌ها را ترک نکند. اگر به این مراحل ملتزم شویم، به مراتب بالای ورع دست یافته‌ایم و به باطن روایت حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نزدیک شده‌ایم. ایشان در این رابطه فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا - وَلَا كَرَامَةً - مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْ رَعٍ مِنْهُ؛ از ما نیست - و ارزشی ندارد - کسی که در شهری صد هزار نفری یا بیشتر زندگی کند و در آن شهر، شخصی پارساتر از او وجود داشته باشد»<sup>۱</sup>.

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۸.

طبق این فرمایش امام علیه السلام، اگر خانمی جوان یا نوجوان یا شوهردار یا مجرد یا صاحب اولاد یا بدون فرزند و...، در شهری زندگی می‌کند که هزار نفر یا بیشتر جمعیت دارد، و خانم دیگری در آن شهر از ورع بیشتری برخوردار است، چنین فردی در نزد اهل بیت علیهم السلام منزلت و جایگاهی ندارد. مسلماً هیچ کدام از شما به چنین مطلبی راضی و خشنود نمی‌شوید اما با تصمیم و تلاش می‌توانید به مرتبه‌ای نائل شوید که در شهر محل سکونت خود باورع‌ترین افراد باشید. چنین چیزی ممکن است و در هر مکانی بالنتیجه فردی از دیگران باورع‌تر است. چنین شخصی چگونه به این مرتبه رسیده است در حالی که معصوم نیست؟! او تنها با تصمیم جدی به این رتبه دست یافته است. پس چه شایسته است آن فرد شما باشید.

حضرت امام کاظم علیه السلام در روایتی، تصمیم را راه رسیدن به موفقیت دانستند. اگر انسان برای رسیدن به هدفی تصمیم قاطع گرفت و در این راه سختی‌ها را تحمل کرد، به موفقیت خواهد رسید. پس شما خانم‌ها تصمیم بگیرید از مادر خود یا از دختر خود باورع‌تر باشید. هر کدام از شما باید به چنین تصمیمی پایبند شوید. تصمیم بگیرید از تمامی بستگان مانند عمه و خاله و دختران آن‌ها باورع‌تر باشید. همین‌طور سعی کنید از زنان و دختران همسایه یا هم‌کلاس و یا هم‌کار خود ورع

بیشتری داشته باشید. مستعد شدن برای اتخاذ چنین تصمیمی، شما را به موفقیت یا به نزدیکی آن می‌رساند. ماه رمضان فرصت خوبی برای این منظور است.

### واجب دوم

واجب دیگری نیز در این ماه متوجه تمامی ماست. وجوب این مورد بالعرض است و در اصل در زمرة واجبات کفائیه قرار دارد و آن دفاع از ساحت مقدس خدای متعال، رسول خدا ﷺ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و دوازه امام دیگر عَلَيْهِمَا السَّلَامُ است. چنین کاری به دلیل عدم وجود من فیهِ الکفایة در عصر ما به واجب عینی مبدل شده است. اکثر ما در دنیای امروزی به فضای مجازی دسترسی داریم. ما در این بستر شاهد اهانت‌های بزرگی به ساحت اقدس الهی و قرآن کریم و پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سایر معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ گرفته تا حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و تا حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ هستیم. آیا نباید کسانی به این اهانت‌ها پاسخ مستدل و جامع دهند؟ یکی از آن افراد شما هستید. شما در بستر مدرسه یا دانشگاه یا محل کار یا حتی منزل علی‌رغم تمام کم‌وکاستی‌هایی که دارید، می‌توانید از درک و فهم و دانش خود بهره‌گیری و در کنار توان و قدرتی که خدای متعال به شما ارزانی داشته، در این مسیر ایفای نقش نمایید. به‌کارگیری فناوری روز در فضای مجازی و وسایلی که در

دسترس همگان است، می‌تواند فرصت خوبی برای دفاع از ساحت مقدسات باشد. اگر در فضای مجازی به دروغ و تهمت‌ی به خدای عزوجل یا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یا سایر معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر خوردید، به قدر توان به دفاع بپردازید.

### خیانت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس به اسلام

در عصر فعلی از جمله فعالیت‌های ضروری‌ای که جای خالی آن حس می‌شود، رسوا کردن بنی‌امیه و بنی‌عباس است. این مسأله امروز بر همگان واجب عینی است، چون من فی‌ه الکفایة در این رابطه وجود ندارد. این دو طایفه آبروی اسلام را ضایع کردند اما متأسفانه تا به امروز از حکومت آن‌ها به حکومت‌های اسلامی یاد می‌شود.

بنی‌امیه و بنی‌عباس در طول تاریخ و در مدت قبضه کردن قدرت، جنایت‌های متعددی به نام اسلام مرتکب شدند که بسیاری از آن جنایت‌ها در حق زنان رخ داد. بنده به مرور چند مورد از این مظالم بسنده می‌کنم و شما را برای آشنایی بیشتر به مطالعه تاریخ پیراسته از انحراف ارجاع می‌دهم.

### دستان خون‌آلود معاویه

معاویه بن ابی‌سفیان از جمله حاکمان اموی بود. او پس از شهادت امیر مؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به مسلمانان، مخصوصاً شیعیان ظلم‌های

بسیاری روا داشت و تعداد زیادی از زنان و مردان را یا به بند کشید و یا شکنجه کرد و به قتل رساند.

عمرو بن حمق خزاعی از اصحاب نزدیک امیر مؤمنان علیه السلام و از کسانی بود که دچار ظلم معاویه شد. او تحت تعقیب حکومت معاویه قرار گرفت و مدتی را در حال فرار از دیاری به دیاری دیگر گذراند. معاویه برای دستیابی به او همسرش را اسیر و او را از کوفه به زندانی در شام منتقل کرد. این بانوی عابده و صالحه دو سال از عمر خود را در زندان معاویه و تحت شکنجه سپری کرد. سرانجام عمرو بن حمق دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا به دست عمال معاویه به شهادت رسید. پس از شهادت عمرو سر از بدنش جدا کردند و آن را در دامن همسرش قرار دادند. همسرش با دیدن سر عمرو به سربازان معاویه گفت: «غیبتموه طویلاً واهدیتموه إلیّ قتیلاً»، مدت زیادی او را از من جدا کردید و مرا به اسارت بردید و در آخر، سر بریده او را به من بازگردانید.

از کسانی که مزارش در کنار مزار حجر بن عدی در اطراف شهر دمشق واقع شده، عمرو بن حمق خزاعی است. بنده چندین بار موفق به زیارت مزار آنها شده‌ام. آن بزرگواران در این محل صاحب مزار و حرم و ضریح



شده‌اند درحالی که از قبر معاویه اثری نیست. این دستِ انتقام خداست و خدا خوب انتقام‌گیرنده‌ای است.

با این توصیف، چنین شخصی به‌عنوان خلیفهٔ خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و نمایندهٔ اسلام به دنیا معرفی شده است. این تنها یک مورد از جنایت‌های معاویه بود و موارد بسیاری نظیر آن در دل تاریخ وجود دارد.

ولید بن عبدالملک از قوم بنی مروان و یکی دیگر از خلفای اموی است. او نیز همانند سایر خلفای بنی امیه خود را خلیفهٔ خدا و رسول صلی الله علیه و آله می‌دانست. روزی شخصی او را نصیحت کرد و به او گفت: «اتق الله؛ از خدا بترس». ولید از این جمله خشمگین شد و به سربازان خود دستور داد آنقدر او را لگدکوب کردند تا جان داد. این سزای کسی بود که ولید را نصیحت کرده بود؛ نصیحتی که به قیمت جانش تمام شد. آیا روا نیست چنین کسانی رسوا شده، چهرهٔ حقیقی‌شان به دنیا نمایانده شود؟! آیا دنیا نباید از این جهل رها شود و حساب اینان را از اسلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله جدا سازند؟! جنایاتی که بیان شد، سیره و روش همیشگی بنی امیه و بنی عباس بود و قربانیان آن نیز عده‌ای بی‌گناه بودند که امروزه از آنان با نام مجرم سیاسی یاد می‌شود.

بنده بار دیگر به بانوان جوان و نوجوان، مخصوصاً بانوان دانشگاهی و حوزوی که دستی بر قلم یا تحقیق دارند، سفارش می‌کنم این مطالب را از بطون تاریخ استخراج کنند و از طریق وسایلی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای آن را به دنیا برسانند تا دنیا از جهل‌رهایی یابد و آگاه شود که بنی‌امیه و بنی‌عباس نمایندهٔ اسلام نیستند. این کار از واجبات عینیه و از مقدمات وجود واجب مطلق است.

### برگی دیگر از جنایتهای بنی‌امیه و بنی‌عباس

از جمله جنایتهای دیگری که حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس در حق مخالفان و معترضان مرتکب می‌شدند «تکحیل بالنار» بود. آنان با این شکنجه میله‌ای آهنی و گداخته را به چشم معترضان و مخالفان خود می‌کشیدند و آنان را کور می‌کردند و چه بسا فرد مجازات‌شونده بر اثر این شکنجه جان خود را از دست می‌داد. چنین افرادی خود را خلیفهٔ اسلامی معرفی می‌کردند. این شکنجه هم توسط بنی‌امیه و هم توسط بنی‌عباس اجرا می‌شد.

شکنجهٔ دیگری که زنان شیعه و یا زنی مخالف حکومت به آن گرفتار می‌شد، این بود که آن زن بی‌نوا را از سینه آویزان می‌کردند. آنان زنان مخالف خود را مانند قصاب که لاشهٔ گوسفند را از میلهٔ تیز آهنی آویزان

می‌کند، شکنجه می‌کردند و یا زنان را به وسیلهٔ بند و طناب از سینه آویزان می‌کردند و او در نهایت بر اثر این شکنجه جان می‌داد. مع‌الاسف تا به امروز از مرتکبان چنین جنایت‌هایی در دنیای اسلام و غیراسلام با نام خلفای اسلامی یاد می‌شود، در حالی که قربانیان آنان مسلمان‌ها بودند. آیا چنین اشخاصی شایستگی خلافت اسلام را دارند؟ چنین کسانی خلیفهٔ شیطان و خلیفهٔ نفس اماره بودند.

از دیگر شکنجه‌هایی که شرح آن به وسیلهٔ متون تاریخ به ما رسیده این بود که مردان و زنان را به دیوار می‌خکوب می‌کردند و آنان را در حالی که دست و پایشان به دیوار می‌خکوب شده بود، رها می‌کردند تا جان بدهند. نگهداری و زندانی کردن زنان در «کنیف» [دستشویی] دیگر جنایتی بود که بنی‌امیه و بنی‌عباس در حق زنان مسلمان مخالف خود روا می‌داشتند. آنان زنان را در دستشویی‌هایی کثیف با مقدار کمی نان و آب زندانی می‌کردند و آنان را شکنجه می‌دادند.

شکنجه و قتل به وسیلهٔ «قفه» دیگر جنایات حاکمان به ظاهر اسلامی بنی‌امیه و بنی‌عباس بود که در حق زنان انجام می‌شد. قفه در عربی به محفظهٔ دایره‌ای ساخته شده از چوب می‌گفتند که زندانیان زن را داخل آن

حبس و آن را در آب رها می‌کردند. آن زندانی بیچاره پس از مدتی جان خود را از دست می‌داد.

همگان با هر میزان توانایی، چه با قلم، چه با زبان، چه با صرف دارایی و پول و... وظیفه دارند این افراد را که با نام اسلام مرتکب جنایت شدند، رسوا سازند. اگر از چنین مطالبی اطلاعی ندارید، باید تحقیق کنید و از چندوچون آن آگاه شوید و دنیا را از آن مطلع سازید. این کار وظیفه‌ای برعهده همگان است.

### مقایسه‌ای میان سیره علوی و اموی

به شهادت تاریخ، عده‌ای از ساکنان منطقه‌ای به نام تفلیس که در اطراف آذربایجان ایران قرار داشت، به متوکل اعتراض کردند و علیه او سخنانی گفتند. متوکل عده‌ای از سربازان خود را به آن جا گسیل داد و آنان به دستور متوکل سی هزار زن و کودک را زنده‌زنده در آتش سوزاندند.

در مقابل این عملکرد، عملکرد امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در جریان جنگ جمل یا جنگ بصره قرار دارد. جنگ جمل از جمله جنگ‌های بزرگی بود که علیرغم خویشتن‌داری و دوری امیرمؤمنان علیه السلام

از جنگ بر ایشان تحمیل شد. ایشان پس از اینکه لشکریان مخالف عده‌ای از لشکریان ایشان را شکنجه کردند و کشتند، مجبور به جنگ شدند. علی کل حال امیر مؤمنان علیه السلام فاتح این نبرد بودند و لشکر دشمن شکست را پذیرفت. پس از فروکش کردن شعله جنگ، عده‌ای از زنان لشکر دشمن علیه امیر مؤمنان علیه السلام که حاکم حکومت اسلامی بودند، تظاهرات کردند و رودرروی آن حضرت به ایشان جسارت کردند و ناسزا گفتند. تاریخ گواه این مطلب است که آن حضرت در جواب این زنان معترض هیچ واکنشی نداشتند و نه زنی را زندانی کردند و نه زنی را به قتل رساندند و نه فردی از آن زنان را شکنجه کردند. آن حضرت حتی اجازه ندادند دیگران متعرض زنان مخالف شوند و برخورد تندی با آنان داشته باشند.

### کلام آخر

همانگونه که بیان آن رفت سیره بنی امیه و بنی عباس به مقابله با سیره علوی آمد و تبعات آن تا به امروز دامنگیر دنیای اسلام شد. ماه مبارک رمضان که هر عمل صالحی در آن پاداش مضاعفی دارد، فرصت مناسبی است تا در جهت روشننگری در این زمینه فعالیتی داشته باشیم.

شایسته است از ماه رمضان سال جاری این فعالیت آغاز و به دفاع از قرآن کریم و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سایر معصومان الطَّيِّبَاتُ پرداخته شود. همتی بلند لازمه پیمودن این مسیر است. رسوا کردن بنی امیه و بنی عباس از واجبات عصر ماست و اگر هرکس به اندازه توانش به این واجب نپردازد، مرتکب حرام شده است.

تبلیغ اسلام حقیقی و نه اسلام اسمی، واجب بزرگی در عصر ماست. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند روزی بر مسلمانان خواهد آمد که از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند: «لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ». امروز روزی است که این مطلب محقق شده است. اسلامی که امروز ما در جای جای دنیا شاهد آن هستیم، تنها نامی از اسلام با خود دارد و نشانی از حقیقت آن ندارد. روح اسلام آن است که برضد مهم‌ترین رئیس حکومت تظاهرات کنند و برخوردی با معترضان نشود. این فضیلت در حکومت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمایان است. بارها و بارها برضد ایشان و برضد امیر مؤمنان حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ تظاهرات برپا شد اما هیچ برخورد منفی‌ای از سوی آن بزرگواران در قبال معترضان صادر نشد. مجال بیان مواردی در این خصوص نیست. شما خود در تاریخ سیر کنید و موارد گوناگون

را دسته بندی کرده، به دنیا عرضه کنید. تتبع در سیره آن دو حضرت از آن رو موضوعیت دارد که آنان به حکومت رسیدند و جلوه حکومت اسلامی را در دنیا محقق ساختند.

امیدوارم روزهای باقی مانده از این ماه با عظمت بر همگان مبارک باشد و همگان در انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات موفق باشند.

وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطاهرین